

مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم

دکتر علی صفاری*

مقدمه

آنچه از زمان ظهور تفکرات علمی و جدید^۱ درخصوص جرم و پیشگیری از آن مطرح شده تا چند دهه قبل، بر محور مرتکب - اغلب مرتکبین مذکور - و شرایط و اوضاع و احوال محیط بر زندگی آنها در ابعاد مختلف اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره می‌چرخید تا مشخص گردد یک «شخصیت مجرمانه»^۲ چگونه شکل می‌گیرد و به چه طریقی می‌توان آن را مهار یا درمان کرد. براین اساس، سنگ بنای سیاست جنایی را، چه در بعد کیفری و چه در بعد غیر کیفری، مرتکب تشکیل می‌داد تا از طریق ارباب یا اصلاح وی یا تغییر و بهبود محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره - که او در آنها پرورش یافته و مرتکب جرم شده بود - هدف پیشگیری حاصل شود. اما از چند دهه قبل رهیافت دیگری، سیاست جنایی در بعد پیشگیری از جرم را

* عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۱. درخصوص دوره‌های مختلف جرم‌شناسی رجوع کنید به: نوربها، رضا (دکتر)، ۱۳۷۷، زمینه جرم‌شناسی، تهران، گنج دانش، ص ۵۰-۳۴.

تحت تأثیر قرار داده که محور اصلی آن توجه و تکیه بر بزه‌دیده^۳ و به عبارت دقیق‌تر آماج و هدف جرم می‌باشد. زیرا گفته شده که در وقوع یک جرم همگرایی و تقارن سه عنصر لازم و واجب است، در غیر این صورت وقوع جرم منظور ممتنع خواهد بود. این سه عنصر عبارتند از وجود یک مرتکب با انگیزه، فقد مانع و رادع مؤثر و وجود یک آماج مستعد و محافظت نشده.^۴ به طوری که اشنایدر و کیچن (۲۰۰۲) نقل می‌کنند، دو نویسنده دیگر به نامهای پاول و برانتینگهام، از طراحان و بنیانگذاران جرم‌شناسی محیطی (Environmental Criminology)، تلاقی چهار عامل را در این مورد لازم می‌دانند که عبارتند از قانونی که عمل انجام شده را جرم بدانند، در غیر این صورت جرمی متصور نخواهد بود، مرتکب، هدف (مجرمانه) و یک مکانی که جرم در آن رخ دهد.^۵

رهیافت جدیدی که سعی دارد با اتکا بر این جنبه یا ضلع از مثلث اشاره شده، یعنی آماج جرم یا بزه‌دیده، به تبیین پیشگیری از جرم پردازد در فارسی تحت عنوان «پیشگیری وضعی از جرم» (از این پس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران

۳. منظور از بزه‌دیده در این مقاله انسانها، اشیا و حقوقی هستند که بتوانند هدف و آماج یکی از جرایم قرار گیرند. همچنین منظور از تکیه بر بزه‌دیده، اعمال راههای پیشگیری روی خود بزه‌دیده نیست بلکه در برخی موارد روش مربوطه روی مرتکب یا محل و موقعیتی اعمال می‌شود که مرتکب یا بزه‌دیده در آن قرار دارند، منتهی هدف اصلی حفظ بزه‌دیده و مشکل ساختن دسترسی به وی است.

4. Cohen, L. and Felson, M. (1979), "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach", *American Sociological Review*, 44: (588-608).

5. Paul G. & Patricia L. Brantingham (1981: 7), quoted in: Shneider, H.R. & Kitchen, T. (2002), "Planning for Crime Prevention: A Transatlantic Perspective", London & New York, Routledge,

p. 6.

«پیشگیری وضعی» معرفی^۶ و معروف شده و در زبان انگلیسی نیز به (Situational Crime Prevention) موسوم است.^۷ کاربرد معادله‌هایی همچون پیشگیری «موضعی»، «موقعیتی» یا «وضعیتی» نیز در برابر این اصطلاح صحیح بوده و شاید به دلیل تبادل برخی معانی رایج واژه «موضعی» مثلاً؛ «موضعی» در مقابل «تکلیفی» یا «موضعی» در برابر «عرفی» خصوصاً در حوزه فقه و حقوق، رجحان نیز داشته باشند. اما از آنجا که کاربرد واژه «موضعی» به همراه پیشگیری در معنای مورد نظر ما چندی است که توسط اهل فن، دانشجویان و محافل علمی ادامه و استقرار دارد و به اصطلاح اصولی «وضع تعینی» یافته است، ما نیز همان را برگزیدیم.^۸

۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (دکتر) و هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۷، دانشنامه جرم‌شناسی: انگلیسی - فرانسه - فارسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 - گسن، رمون (ریموند)، ۱۹۹۶، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹، صص ۳۰-۵۰.
 - رزّ نبام، دنیس و دیگران، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی، ۱۳۷۹، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۲ صص ۱۷۲-۱۴۷.

7. Clarke, R.V.G. (1980), "Situational Crime Prevention: Theory and Practice", *British Journal of Criminology*, vol. 20, No.2: (136-148).

Clarke, R. V. G. (1992), "Situational Crime Prevention: Successful Case Studies", Reprinted in 1997, Harrow & Heston Publishers, New York.

Heal & Laycock (1986) "Situational Crime Prevention: From Theory into Practice", London, HMSO.

برای اطلاع بیشتر به منابع زیر و منابع مذکور در آنها مراجعه کنید:

Mayhew, P., Clarke, R.V.G., Sturman, A., and Hough, J.M. (1976), "Crime as Opportunity", Home Office Research Study No. 34. London, HMSO.

Clarke, R.V.G. and Mayhew, P.M. (1980), "Designing out Crime", London, HMSO.

۸. کلمه «وضع» و «وضعیت» در فرهنگهای فارسی مثل فرهنگ دهخدا و معین وجود ندارند. در فرهنگ عمید «وضع» به معنی «گذاردن و نهادن» و نیز به معنی «هیأت و طرز شکل و نهاد» آمده است. به طوری که خواهیم دید، هیچ کدام از این معانی رساننده کامل مفهوم مورد نظر ما برای پیشگیری معروف به وضعی نیست. در فرهنگهای عربی به فارسی مثل منجدالطلاب - ترجمه محمد بندریگی - نیز ←

در این مقاله سعی بر این است تا علاوه بر افشاندن گرده‌های تازه بر غنچه‌های فکر مخاطبین محترم، در حد امکان منابع موجود و دست اول به زبان اصلی معرفی شوند. امید است که مطالب آن بر غنای ادبیات - هرچند محدود - زبان فارسی در این زمینه افزوده و انگیزه‌ای برای خوانندگان عزیز باشد تا با رجوع مجدد به آثار پیشین که در دسترس دارند، هم گرد و خاک غربت را از سر و روی آنها بردایند و هم با مقایسه آنها به ورزشی فکری پرداخته، و از نتایج اجتناب‌ناپذیر و میوه‌های حتمی آن گرده‌افشانی، دیگران و خصوصاً نگارنده را بهره‌مند سازند.

به منظور نیل به چنین مقصودی، ضمن ارائه چکیده‌ای از مبانی نظری ظهور و طرح اندیشه «پیشگیری وضعی» و تبیین مفهوم و انتقادات وارد به آن در ارتباط با سایر انواع پیشگیری، در چند قسمت به این نتیجه خواهیم

→

معانی متعددی برای شکلهای مختلف کلمه «وضع» بیان شده که مناسب‌ترین آنها: «موضع، جا، مکان» است که در مقابل کلمات «الْوَضْعَةُ وَالْوَضْعَةُ» قرار دارند و با افزودن علامت مصدری (جعلی) و یاء نسبت به اولی حاصل آن «وضعیتی» خواهد بود. همچنین در فرهنگ «دخیل: وام واژه‌های عربی» - نوشته میدمحمد نحوی، انتشارات اسلامی تهران، ۱۳۶۸ - کلمه «وضعیت» به عنوان مصدر جعلی در معانی «طرز استقرار، موقع و موقعیت» آمده و خود کلمه «موقعیت» که به نظر مصنف فرهنگ، ساخته فارسی‌زبانان است به معنی «وقت، زمان، موقع و فرصت» آمده است. این معانی لفظی و لغوی با مفهوم «پیشگیری وضعی» مورد نظر ما سازگارتر و به آن نزدیک‌تر است. به همین دلیل به نظر ما کاربرد «پیشگیری وضعیتی یا موضعی و موقعیتی» برای بیان مفهوم گونه‌ای خاص از پیشگیری که مورد نظر ماست رجحان دارد. البته قضاوت نهایی در این خصوص، پس از مطالعه متن، با خوانندگان محترم است اما انگیزه اصلی اینجانب از طرح این بحث به خاطر تردیدی بود که لفظ منتخب اساتید پیشکوت برای بیان مفهوم مورد نظر ایجاد کرده است. وقتی از برخی همکاران و دوستان که با مفهوم پیشگیری وضعی آشنایی چندانی نداشتند پرسیدم که از لفظ «پیشگیری وضعی» چه مفهومی به ذهن آنها متبادر می‌شود پاسخ مورد نظر را نیافتم چون اکثر آنها «وضعی» را در مقابل «تکلیفی» یا «عرفی» و برخی معانی دیگرش تلقی می‌نمودند. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به کتب اصول - مباحث الفاظ و ترمینولوژی علم حقوق، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ص ۷۴۹ به بعد.

رسید که پیشگیری مؤثر از جرم، ولو به صورت جزئی یا خاص، جز با درک صحیح و علمی از دو مفهوم «فرآیند وقوع جرم»، متضمن شناخت جرم، شگردهای ارتکاب آن، و شرایط مرتکب و محیط اطراف وی و همچنین مفهوم «تأثیر مجرمیت بر زندگی افراد» امکان‌پذیر نخواهد بود، چرا که هرچند مفهوم اول کم و بیش در اکثر جوامع مورد توجه زیادی قرار داشته و دارد اما مفهوم دوم در سطح وسیعی، خصوصاً در کشوری مثل ایران، به وزطه فراموشی سپرده شده است. دستیابی عملی به هدف مورد نظر نسبت به شیوه‌های موجود، از یک طرف مستلزم کاهش هرچه بیشتر فرصت‌های مجرمانه از طریق آموزش قربانیان^۱ فعلی و آتی و حفاظت از آنها به طریق مقتضی و مناسب است و از طرف دیگر - و به طور همزمان - به بهبود شرایط فردی و اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امثال آن نیاز دارد که زمینه‌ساز ارتکاب جرایم و کشیده شدن افراد به سوی آنها و انتخاب روشها و ابزارهای مجرمانه و غیرقانونی (نامشروع) برای رسیدن به اهداف معمولی می‌باشند.

براین اساس، ابتدا به طرح مسأله پرداخته و جایگاه اندیشه «پیشگیری وضعی» را در تئوریهای جرم‌شناسی به طور خیلی کوتاه تبیین می‌نماییم. سپس با ارائه چند تعریف از مفهوم پیشگیری و انواع آن به تحلیل نظریه «پیشگیری وضعی» از جرم از دیدگاه طراحان آن می‌پردازیم. در پایان نیز نتیجه بحث به همراه چند پیشنهاد برای پی‌ریزی و تحکیم یک سیاست جنایی منسجم و کارآ تقدیم خواهد شد. طرح و بررسی انتقادات وارده به «پیشگیری وضعی» را به مقاله دیگری (که به زودی در همین

۹. در اینجا قربانیان جرم اعم از بزه‌دیده در معنای قانونی و مرسوم آن و مرتکبین می‌باشد.

مجله به چاپ خواهد رسید) موكول می‌نماییم تا هم از اطاله سخن و ملول شدن خواننده احتراز گردد و هم مجال کافی برای طرح دقیق بحث فراهم گردد.

لازم به یادآوری است که به منظور احتراز از سردرگمی ناشی از معادل‌سازی‌های متفاوت و بعضاً گمراه‌کننده و همچنین برای آموزش آن دسته از مخاطبین محترمی که برای اولین بار با برخی لغات و اصطلاحات تخصصی در مقوله جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم مواجه می‌شوند، معادل واژه‌های کلیدی به زبان انگلیسی و اسامی افراد و نهادهای در پاورقی درج گردیده و توصیه اکید دارد تا در این مورد به آثار گرانبهای همچون دانشنامه جرم‌شناسی، اثر مشترک همکار فاضل و محترم جناب آقای دکتر نجفی ابرندآبادی و جناب آقای حمید هاشم بیگی نیز مراجعه شود. به دنبال همین هدف، منابع خارجی مورد استناد در مقاله نیز که عموماً تألیف نویسندگان انگلیسی است به همان زبان اصلی و به روش ارجاع و کتاب‌شناسی معمول در دانشکده‌ها و مراکز مطالعات جامعه‌شناختی از جرم و جرم‌شناسی در کشور انگلستان ارائه گردیده است.

راهبردهای اساسی پیشگیری از جرم

معضلی که در بیشتر کشورها از جمله ایران مسود و فاق اکثریت اعضای آن - اعم از خواص و عوام - می‌باشد عبارت از افزایش جرایم در بعد کمی و کیفی و تأثیر عواقب مخرب آن بر زندگی فردی و اجتماعی است، هرچند این دو امر، به ویژه تأثیر جرم بر زندگی مردم، فضای

ناچیزی را در تحقیقات به خود اختصاص داده‌اند.^{۱۱} همچنین بیشتر اهل تحقیق، دست کم در دنیای غرب، به این نتیجه رسیده‌اند که روشهای سنتی مبارزه با جرایم، یعنی اعمال قوانین کیفری توسط دستگاههای ذیربط مثل نظام قضایی و پلیس، و حتی اعمال روشهای اصلاحی و تربیتی در مکانهای بسته‌ای مثل زندان و مؤسسات زندان گونه یا وابسته به آن^{۱۲} نتیجه چشم گیری در پیشگیری از وقوع جرم و یا کاهش آن - و حتی تکرار جرایم - نداشته است. شاید اولین و بهترین اثر علمی و مستند در این مورد مقاله مارتینسن امریکایی در سال ۱۹۷۴ باشد که با جمع‌بندی تحقیقات انجام شده درخصوص موضوع به چنین نتیجه‌ای رسیده و به تئوری (Nothing works) انجامید؛ به این معنی که هیچ چیز یا هیچ یک از شیوه‌های برخورد با مرتکبین جرایم کارآیی ندارد.^{۱۲}

10. Radzinowicz, L. & King, J. (1977), "The Growth of Crime: The International Experience", London, Hamish Hamilton.

۱۱. مؤسسات یا مجازاتهای زندان گونه (زندان‌سان) در نظر نگارنده معادل عبارات انگلیسی Custodial Institutions یا Custodial Sentences می‌باشد که توقیف و نگهداری محکوم‌علیه (یا حتی متهم) را ولو به صورت متناوب (مثلاً چند ساعت در روز یا در شب، چند روز در هفته یا در ماه و امثال آن) به همراه دارد. در این معنی مؤسسات وابسته به زندان (موضوع ماده ۱۵ آیین‌نامه زندانها مصوب ۱۳۸۰/۴/۳۰)، کانون اصلاح و تربیت (موضوع ماده ۱۹ آیین‌نامه مذکور) و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی و مؤسسات صنعتی و کشاورزی موضوع مواد ۱۷-۱۶ و مدارس تربیتی و آموزشی مخصوص مرتکبین جوان و نوجوان در کشورهای خارجی مشمول عناوین فوق‌الذکر می‌باشند.

12. Martinson, (1974), "what works: Questions and Answers about Prison Reform", The Public Interest, No.35: (22-54).

برای مطالعه بیشتر درخصوص شکست نظام زندان در اصلاح و تربیت زندانیان و یا کاهش تکرار جرم مراجعه کنید به:

Vass, A.A. (1990), "Alternatives to prison: Punishment, Custody and the Community", London, SAGE.

Clarkson, C.M.V. & Morgan, R. (eds.), (1995), "The Politics of Sentencing Reform", Oxford, Clarendon Press.

هرچند تئوری (Nothing works) پایدار نماند و منتقدین آن، نظریه (Something works) را مطرح کردند؛^{۱۳} به این معنی که برخی شیوه‌ها در برخی موارد کارآیی دارند، اما به نظر تأثیر تعاطی این دو دیدگاه با مدد تحقیقات متعدد بعدی و طرح نقاط ضعف فراوان نظام دادرسی کیفری، به عنوان محور حل اختلاف و مبارزه با جرم و پیشگیری از آن با سلاح مجازات به مرکزیت مجازات زندان، به قدری ژرف بود که محققین و شاید بیش از آنها دست‌اندرکاران را نه تنها وادار به جستجوی جانشینهای نظام کیفری و رسمی یا قانونی و همچنین زندان نمود بلکه سَمَنَد اندیشه را نیز به سوی منظرها و معرفی شیوه‌های دیگری برای پیشگیری از جرم پیش راند تا شاید نتایج بهتری ببار آورده و مشروعیت نظام کیفری را که در اثر نقدهای شدید لرزان شده بود بار دیگر تثبیت و استوار گرداند.^{۱۴}

13. Palmer, T. (1975), "Martinson Revisited", *Journal for Research in Crime & Delinquency*, 12: (13-52).

Brody, S.R. (1976), "The Effectiveness of Sentencing", Home office Research Study, No. 35, London, HMSO.

۱۴. مشروعیت نظام کیفری از سوی افرادی مثل گراماتیکا و مارک آنسل زیر سؤال رفت و حتی پیشنهاد حذف آن داده شد و اکنون نیز در افکار برخی متفکرین مثل ماتیسون دنبال می‌شود. هرچند جبهه اکثریت راه را به سوی اصلاح نظام ادامه داد اما نتیجه برخورد نظریات افراطی و میانه‌رو (یعنی طرفداران حذف و طرفداران اصلاح نظام کیفری) اصلاحات متعدد و عمیقی در دنیا بوده که کشور ما نیز، به رغم فاصله ظاهری زیاد در مبنای اصلاحات، از آنها بی‌بهره نبوده است (برای اطلاع بیشتر با افکار گراماتیکا و آنسل مراجعه کنید به: نوربها، رضا، (دکتر) ۱۳۷۸، زمینه حقوق جزای عمومی، با تجدیدنظر و اضافات، چاپ دوم، تهران، نشر دادآفرین، صص ۴۴-۱۳۵).

- اردبیلی، محمدعلی (دکتر)، ۱۳۷۹، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، نشر میزان، صص ۱۱۶-۱۰۸.

- آنسل، مارک، (۱۹۸۵)، مکتب دفاع اجتماعی، ترجمه آقایان دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر راهنما).

برای آشنایی با افکار ماتیسون و اصولاً نظریات موجود درخصوص عدم مشروعیت مجازات حبس مراجعه شود به:

شاید ظهور نظریه «پیشگیری وضعی» از جرم را بتوان یکی از همین آثار قلمداد کرد، با این توضیح که قصد واضعین و حمایت کنندگان آن، خصوصاً دست‌اندرکاران نظام اجرای مجازات‌ها این بوده تا به مدد آن بتوانند کمی از آب رفته نظام کیفری را به جوی بازگردانند. شاید ذکر دو دلیل برای این ادعا کافی باشد. اگر چنان انتقاداتی وجود پیدا نمی‌کرد چنین تحولات و پیشرفتهایی بروز نمی‌نمود زیرا در طول عمر دراز نظام‌های کیفری، قبل از شروع نیمه دوم قرن بیستم، شاهد تغییر بنیادینی در شیوه‌های برخورد با جرم نیستیم. هرچند چنین شیوه‌هایی، کم و بیش، در میان ملل و نحل تفاوت‌های ظاهری و حتی به اصطلاح بنیادین داشته‌اند و تاریخ آنها، خصوصاً از قرن ۱۸ به این طرف، هر از گاهی شاهد طرح اندیشه‌های نو از سوی برخی متفکرین، اعم از مذهبی و غیرمذهبی، فلسفی و علمی بوده است اما تغییر جهت مجازات‌ها از نیمه دوم قرن هیجدهم، تحت تأثیر افکار عصر روشنگری و سپس جرم‌شناختی، از جسم و جان مرتکبین به سوی روح آنان نیز تغییر بنیادی در نگرش به جرم و پیشگیری از آن محسوب نمی‌گردد. زیرا پایه و مایه اصلی هر دو تنبیه و سزای مرتکب برای حصول به پیشگیری بود. اما در دیدگاه جدید پیشگیری از طرقی غیر از سزا و تنبیه او حاصل می‌شود.^{۱۵} دلیل دوم این که طراح اصلی این نظریه به طوری که خواهد آمد، مدیر دپارتمان تحقیقات جرم‌شناسی دولت

→

Mathiesen, T. (1974), "The Politics of Abolition: Essays in Political Action Theory", Oxford, Martin Robertson.

Mathiesen, T. (1990), "Prison on Trial", London, SAGE.

۱۵. درخصوص تاریخ تحولات کیفری مراجعه کنید به: ژان پرادل، ۱۳۷۳، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و یلدا.

انگلیس بوده و در تشکیل واحد پیشگیری از جرم در وزارت کشور نقش به سزایی داشته و دولت نیز در این خصوص سرمایه گذاری چشمگیری در قالب ارائه کمکهای مادی و آموزشی به مردم نموده است. این خود نشانی از نگرانی و دغدغه دست‌اندرکاران داشته که به دنبال راهی بوده‌اند تا نظام تحت مدیریت آنها را از فروپاشی یا دست کم از تزلزل و کاهش محبوبیت مردمی نجات بخشد و با شیوه‌هایی هرچند عملگرایانه و مدیریتی،^{۱۶} به معنی کم عمق و سطحی، زمینه‌های انتقاد را حداقل در نگاه مردم از بین برده و به مرمت کاستیهای مبانی مشروعیت نظام کیفری بپردازند.

به دلیل محدودیت بحث، در این مقاله خیلی به عقب برنمی‌گردیم بلکه علل ناکامی نظام کیفری را در پیشگیری از وقوع جرم از گذشته‌ای نه چندان دور به طور خلاصه مورد تحلیل قرار می‌دهیم. آن، زمانی است که تحولات عصر روشنگری نوید برپایی یک نظام دادرسی کارآتر، منطقی و عادلانه‌تر از گذشته را داد و به دنبال آن رشته جدیدی به نام «جرم‌شناسی»^{۱۷} تولد یافت و با بنیانگذاری «سیاست جنایی»^{۱۸} و «سیاست

۱۶. منظور سیاستها یا رهیافتهای Pragmatic و Administrative or Managerial approaches/policies است، یانگ نویسنده و جرم‌شناس انگلیسی این سیاست و رویکرد را The New Administrative Criminology می‌نامد و منظورش برخورد سطحی و کم عمق ماشینی با مشکل جرم است. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

Young, J. (1990), "Recent Developments in Criminology", in Michael Haralambous, *Developments in Sociology*, vol.4, pp. (137-167).

از پیشگیری وضعی به تکنولوژیسم (فن‌گرایی) یا جرم‌شناسی تکنولوژیکی نیز یاد می‌شود زیرا در آن برای پیشگیری از جرم از فن‌آوری استفاده زیادی می‌شود و در واقع ممکن است چنین برداشت کرد که رفتار انسان به کارکرد یک ماشین تشبیه شده است.

17. Criminology.

18. Criminal Policy/ Crime Policy.

کیفری»^{۱۹} یک جامعه بدون جرم یا با جرم کمتر را برای مان ترسیم کرد. از آن زمان تاکنون، سیاستها و رویکردهای متفاوتی برای مبارزه با جرم یا کاهش آن بروز و ظهور یافته‌اند. جان برایت،^{۲۰} این رویکردها را در کشور انگلیس به سه دسته تقسیم می‌کند که به استثنای دسته‌بندی سوم، بقیه موارد کم و بیش در سایر کشورها از جمله ایران نیز مصداق دارد:

اول - پیشگیری «کیفری»^{۲۱} یا همان سیاست حزب محافظه کار که طرفدار رویکرد کیفری برای مبارزه با جرم یعنی اعمال شدید قانون و مجازات توسط دستگاههای ذیربط قضایی و اجرایی است. چنین رویکردی به همین دلیل در آثار جرم‌شناختی و کیفرشناختی به سیاست یا نظریه محافظه کارانه یا محافظه کاری^{۲۲} شناخته شده است. مبنای نظری این دیدگاه، اصرار بر تأیید بازدارندگی مقررات کیفری و روشهای رسمی یا قانونی برخورد با جرم یعنی اعمال مجازات و اقدامات مؤثرتر برای دستگیری مرتکبین یعنی تقویت پلیس و دستگاه قضایی است. این دیدگاه از عصر روشنگری تاکنون دیدگاه غالب بر نظام قضایی بوده است. تنها تفاوت دیدگاه جدید مربوط به تأثیر مجازات با دیدگاههای قدیمی‌تر آن که در تفکرات شخصیت‌هایی همچون بکاریا، بنتام و امثال آنها قابل مشاهده است، اختلاف در ابزارها و کیفیت کاربرد آنها برای تأمین هدف مزبور است.

19. Penal Policy/ Sentencing Policy.

20. Bright, J. (1991), "Crime Prevention: The British Experience", in Stenson & Cowell, The Politics of Crime Control, London, SAGE, p. 62-86.

نویسنده این فصل از کتاب اشاره شده، مدیر طرحهای تحقیقات میدانی جرایم در سازمان ملی توسعه پیشگیری از جرم در انگلستان بوده است.

21. Penal Prevention.

22. Conservative Policy/Theory or Conservatism.

جیمز کیو ویلسون،^{۲۳} یکی از نظریه‌پردازان معاصر امریکایی و مشاور ریاست جمهوری در زمان ریگان و طرفدار همین تفکر، مبانی آن را در یک جمله کوتاه چنین خلاصه می‌کند: «به همان اندازه که احتمال اعمال ضمانت اجراهای کیفری بیشتر شود، جرم شیوع کمتری خواهد داشت.»^{۲۴} اگر این جمله را با جملات مشابهی از پیشگامان چنین تفکری همانند بنتام مقایسه کنیم صدق این گفتار روشن‌تر می‌گردد. بنتام می‌گوید: «مجازات را معلق یا تعطیل کنید آنگاه دنیا صحنه جرم و جنایت شده و جامعه از بین می‌رود.»^{۲۵} همانطور که ملاحظه می‌شود هر دو یک رابطه مستقیم ریاضی بین افزایش ارباب (ترس از کیفر) و کاهش جرم می‌بینند. مشخصات بارز این رویکرد یکی این است که براساس آن، هر جرمی با هر مرتکبی، به یک شیوه واحد قابل پیشگیری است در حالی که بعداً اشاره خواهد شد که پیشگیری از هر جرمی و شاید کنترل هر مرتکبی ابزارها و روش‌های خاص خود را می‌طلبد. دیگر ویژگی این طرز تفکر این است که مدار و نقطه ثقل پیشگیری در آن کیفر و برخورد با مرتکب است و نقش غیرمرتکب اعم از بزه‌دیده و اجتماع در آن نادیده گرفته شده است. از دیدگاه کیفرشناختی نیز می‌توان گفت که در این منظر مرتکبین افرادی پست‌تر از غیرمرتکبین فرض شده‌اند و بر همین اساس برخورد متفاوت با آنان، حتی به صورت مجازات‌های تزدیلی و بعضاً غیرانسانی، نه

23. Wilson, J. Q. (1983), "Thinking about Crime", New York, Basic Books Inc. Publishers.

24. "As sanctions become more likely, crimes become less common". p.122.

25. "Suspend punishment, the world becomes a scene of robbery, and society is dissolved". (Bentham, (1891), The Theory of Legislation, Translated from the French of Etienne Dumont, by Hildreth, R. (7th ed.), London, Kegan Paul, p.341).

تنها اوراق تاریک متعددی از تاریخ تحولات کیفری در دنیا را تشکیل می‌دهد بلکه هنوز در برخی کشورها رشحاتی از آن دیده می‌شود.^{۲۶} همین امر باعث صدور و امضای اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های متعددی در منع چنین برخوردهایی در دوران معاصر گردیده که از جمله می‌توان به کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بیرحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی ۱۹۸۴ اشاره کرد.^{۲۷}

دوم - پیشگیری «اصلاحی یا اجتماعی»^{۲۸} از طریق اعمال اصلاحات فردی و اجتماعی که زیربنای اصلی و اساسی رویکرد پیشگیری اجتماعی است. پیروان این نظریه که به پوزیتویست یا تحقیقی^{۲۹} (تحصلی یا اثباتی) معروف هستند، بر این عقیده‌اند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم

26. Radzinovicz, L. (1984), A History of English Criminal Law and its Administration from 1750, vol.1: The Movement for Reform, London, Stevens & Sons Limited.

برای مطالعه بیشتر در تاریخ تحول کیفرها مراجعه شود به:

- نوریها، رضا (دکتر)، زمینه حقوق جزای عمومی، همان، صص ۱۴۴-۷۳.
 - پردل، ژان، ۱۳۷۳، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و یلدا.
 - بولک، برنار، (۱۹۹۱)، کیفرشناسی، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، ۱۳۷۷، مجمع علمی و فرهنگی مجد، صص ۶۰-۲۸.
 - دانش، تاج زمان (دکتر)، ۱۳۷۲، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، صص ۵۳-۱۵.
- ۲۷ برای آشنایی با کنوانسیون مزبور به ترجمه آن منتشره در قسمت اسناد مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی، شماره ۲۵، سال ۱۳۷۹، صص ۳۳۷-۳۱۳ و همچنین به مقاله‌ای تحت عنوان: «گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن»، نوشته دکتر محمدعلی اردبیلی منتشره در مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۲-۲۱ زمستان ۷۶ تا تابستان ۷۷، صص ۱۲۰-۱۰۵ مراجعه نمایید.

28. Rehabilitative or Social Prevention.

۲۹ منظور نویسنده در این مقاله از مکتب تحقیقی (Positivism) تمامی گرایش‌های آن است. برخلاف تصور نادرستی که ممکن است در اذهان برخی وجود داشته باشد، مکتب تحقیقی جرم‌شناسی به نظریات افرادی مثل لمبروزو، آنریکوفری و گاروفالو منحصر نیست و ایشان تنها از پیشگامان این مکتب به شمار می‌روند.

(اعم از فردی و اجتماعی) و برطرف کردن آنها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی، مثل درمان بیماریها و نارساییهای (ناهنجاریهای) جسمی و روحی مرتکبین، بالا بردن ارزشهای اجتماعی و ثبات و وابستگی به آنها، تقویت نهادهای اجتماعی مثل خانواده و مدرسه، توسعه و تعالی فرصتهای اقتصادی، تحصیلی و تفریحی، مسکن و امثال اینها، می توان از ایجاد تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد و نهایتاً آنها را از غرق شدن یا کشیده شدن به سوی شیوه‌های مجرمانه زندگی نجات داد.

افتخار این طرز تفکر، با تمامی گرایشات آن در این است که مدعی مبارزه با علت و خشکاندن ریشه جرم است. در این رویکرد، به رغم وجود زاویه دید کاملاً متفاوت به جرم و مجرمیت، همه جرایم معلول یک سری عوامل شناخته شده فرض شده‌اند و بنابراین، مثل رویکرد اول، همه انواع جرایم را با یک روش قابل پیشگیری فرض می کند، هرچند شیوه‌ها و ابزارش تا اندازه‌ای متفاوت است. در این دیدگاه (دست کم در برخی از گرایشهای آن مثل مکتب تحقیقی لمبروزویی) جرم یک عمل یا رفتار ضداجتماعی، نابهنجار یا غیرعادی^{۳۰} است و مرتکبین جرایم صریحاً افرادی متفاوت از دیگران معرفی می شوند. به این بیان که کلیه جرایم توسط عده‌ای محدود و با خصوصیات و ویژگیهای شخصی و اجتماعی متفاوت از دیگران ارتکاب می یابد. علاوه بر این، ارتکاب جرم توسط این افراد عملی جزمی و اجتناب ناپذیر بوده و جز از طریق درمان عامل ایجادکننده جرم قابل پیشگیری نیست، زیرا همه مرتکبین در واقع دارای نوعی اجبار در

30. Anti-Social/un-normal/abnormal or irregular behaviour.

ارتکاب جرم هستند.^{۳۱} منتهی درجه اجبار در گونه‌های مختلف مرتکبین فرق می‌کند و خطرناک‌ترین یا به بیانی مجبورترین آنها مرتکبین بالفطره یا مادرزادی هستند.^{۳۲}

هرچند در بین پیروان این رویکرد نظریات متفاوت و متهافتی وجود دارد که برخی فرد و خصوصیات وی و بعضی نیز اجتماع و مشکلات اجتماعی را علت‌العلل دانسته و با تأکید بر یک یا دو عامل به تحلیل و تبیین ارتکاب جرم و در نتیجه روش پیشگیری آن می‌پردازند، که ذکر آن تقسیم‌بندیها و بررسی نقطه‌نظرات مربوطه از حوصله این مقاله خارج است،^{۳۳} اما ذکر یک نکته ضروری به نظر می‌رسد. نکته این است که در حال حاضر، تحقیقات نشان داده^{۳۴} بسیاری از جرایم مثل واندالیسم (یا

31. Clarke, R.V.G. & Mayhew, P.M., (1980), *ibid*.

32. Borne Criminals.

برای اطلاع بیشتر در مورد طبقات مختلف مرتکبین به کتب جرم‌شناسی مخصوصاً «زمینه جرم‌شناسی» نوشته دکتر رضا نوربها مراجعه شود. لازم به یادآوری است که یافته‌های تحقیقاتی، وجود مرتکب یا مجرم مادرزادی یا بالفطره را تأیید نمی‌کند و حتی به نظر چنین توصیفی با آموزه‌های اسلامی نیز هماهنگ نیست زیرا «فطرت الله التي فطر الناس عليها» - «کل مولود یولد علی الفطره». امروزه این گونه مرتکبین را تحت عنوان مرتکبین خطرناک می‌شناسند که معادل واژه‌هایی مثل Serious/dangerous offenders می‌باشد.

۳۳. برای مطالعه بیشتر پیرامون انواع نظریه‌های جرم‌شناسی به کتبی که تحت عناوینی مثل Textbook on Criminology چاپ شده مراجعه گردد. از جمله نگاه کنید به:

-Jones, S. (1998), "Criminology", London, Butterworths.

-Williams, S.K. (1997), Textbook on Criminology, 3rd ed., London, Blackstone Press Limited.

-Williams, III. F.P. and McShane, M.D. (1994); "Criminological Theory", second ed., Englwood Cliffs, New Jersey, Prentice Hall Inc.

- کی‌نیا، مهدی، ۱۳۵۷، مبانی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

-Jeffery, C. (1990), "Criminology: An Interdisciplinary Approach", Englwood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall.

34. Hood & Sparks, (1970), "Key Issues in Criminology", Weidenfield & Nicolson.

تخریب و ایراد خسارت به اموال عمومی و خصوصی بدون هدف به دست آوردن سود مادی)، سرقت خودرو (خصوصاً توسط جوانان تحت عنوان Joy-riding)^{۳۵}، سرقت از مغازه‌ها هنگام خرید،^{۳۶} و برخی انواع دیگر سرقت (مثل مواردی که توسط کارگران یا کارمندان یک مؤسسه یا کارخانه انجام می‌شود) و بسیاری جرایم دیگر توسط افرادی ارتکاب می‌یابند که با معیارهای معرفی شده توسط این رویکرد مجرم محسوب نمی‌شوند. به بیان دیگر مرتکبین اغلب جرایم نه تنها با دیگران تفاوتی ندارند بلکه در برخی موارد مثل جرایم یقه سپیدان،^{۳۷} مرتکبین آنها افراد و شخصیت‌های نمونه و الگوی جامعه هستند.

با توضیحات فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که در این دیدگاه نیز سنگ زیرین سیاست جنایی و کیفری در پیشگیری از جرایم، همانند نوع اول، مرتکب است و اوست که موضوع همه تحقیقات، آزمایشات و سیاست‌های پیشنهادی برای پیشگیری از وقوع جرم است. همچنین به رغم تفاوت ریشه‌ای این دیدگاه با دیدگاه قبلی در نگرش به جرم و پیشگیری از آن و اصلاحات زیادی که در نحوه تنظیم و اجرای سیاست جنایی و حتی کیفری به دنبال داشته، به نظر نمی‌رسد که در تحلیل نهایی از دیدگاه کیفرشناختی، ارمغان آن برای مرتکبین چیزی غیر از زندان و زنجیر، هرچند در قالبی موجه مثل بیمارستان و آموزشگاه باشد. خصوصاً زمانی که

۳۵. رانندگی برای لذت و خوشی یا تفریح و سرگرمی که معمولاً با دراختیار گرفتن غیرقانونی خودرو دیگران همراه است و به آن «سرقت تمتع» گفته می‌شود (نگاه کنید به جزوه بزهکاری اطفال، تألیف دکتر محمدعلی اردبیلی - دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی).

36. Shop-Lifting.

37. White Collar Crimes.

چنین اقداماتی صرفاً از طریق دادرسی کیفری، در قالب سنتی و محدود آن و نه در یک نظام فراگیر اجتماعی فرهنگ محور و غیر کیفری قابل اعمال و اجرا باشد. در یک جمله، رویکرد کیفری و بزهکارمدار به پیشگیری، از خصوصیات دو دیدگاهی است که تا اینجا بحث شد، در حالی که بزه‌دیده سنگ بنای رویکرد پیشگیری وضعی است.

سوم - پیشگیری وضعی؛ در این دیدگاه، کنترل و ابتکار جای مجازات و انفعال را می‌گیرد و با اتخاذ اقدامات متعدد و متناسب با هر هدفی که ممکن است آماج جرم قرار گیرد، سعی در پیشگیری از تجاوز به آن می‌شود. برخلاف تصور جاری در دیدگاه دوم که مرتکبین دارای نوعی اجبار هستند و وقوع جرم از سوی آنها اجتناب‌ناپذیر بوده و به همین دلیل قابل پیشگیری جز از طریق انهدام عامل موجب آن نیست، در رویکرد وضعی به پیشگیری، جرم قابل پیش‌بینی بوده و صرف‌نظر از این که مرتکب تحت تأثیر چه عاملی بوده، از طریق کاهش فرصتهای ارتکاب و آماجهای آن، با اعمال روشهای فیزیکی (مادی) یا تغییر و کنترل موقعیتهای مناسب برای ارتکاب جرم می‌توان وقوع آن را ممتنع و خنثی ساخت. بدین طریق از ورود به وادی پیچیده سلسله عوامل متعدد انسانی و اجتماعی جرم و تحلیل و برخورد با آنها احتراز می‌گردد، هرچند شناسایی آنها در پیش‌بینی محل، زمان و نحوه ارتکاب جرم می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

مثالهای بارز چنین روشی از پیشگیری را می‌توان در تغییر و تعدیل طرحهای ساختمانی، کنترل محیط و موقعیتی که جرم ممکن است در آن ارتکاب یابد، مشاهده نمود. از آنجا که این رویکرد جنبه عملی

(پراگماتیک) دارد لذا سعی شده برای هر جرمی (عموماً جرایم نسبت به اموال که فرصت‌مدار هستند) از روش خاصی استفاده گردد و بنابراین برخلاف دو رویکرد دیگر، نگاهی اختصاصی یا کلینیکی به پیشگیری از انواع جرایم دارد. هرچند این رویکرد امیدهای فراوانی را برای کاهش جرایم به همراه آورده اما انتقادات وارد به آن نیز کم نیستند. بر همین اساس، در قسمت بعدی مقاله به طرح و تبیین مفصل‌تر این رویکرد و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم. اما قبل از آن، برای تشحید ذهن مخاطبین چند تعریف از مفهوم پیشگیری ارائه می‌گردد.

مفهوم پیشگیری و انواع آن

قبل از ورود به بحث اصلی، بجاست که توضیح مختصری از مفهوم و انواع پیشگیری ارائه گردد. همانطور که ملاحظه خواهد شد هر یک از تقسیمات پیشنهادی از پیشگیری، تصویر متفاوتی از یک واقعیت را نشان می‌دهند اما آنچه باعث جدایی هر یک از دیگری می‌شود در سه عامل قابل جستجوست. این عوامل می‌توانند به دلیل آثار عملی متفاوتی که به همراه می‌آورند موضوع سیاستها یا رویکردهای متفاوتی در پیشگیری از جرم قرار گرفته و در ارزیابی نهایی سبب ترجیح یکی بر دیگری گردند. اولین عامل شکل یا شیوه دخالت و جلوگیری^{۳۸} از وقوع جرم است. مثلاً از طریق اصلاح مرتکب یا اصلاحات اجتماعی و امثال آن به پیشگیری پردازیم یا این که ارباب و تنبیه را به عنوان طریق نیل به آن برگزینیم.^{۳۹} برای این

38. Form/ Method of Prevention/ Intervention.

۳۹. اصلاح یا ارباب برخلاف تصور برخی هدف نیستند بلکه خود شیوه یا روش پیشگیری هستند زیرا هدف غایی پیشگیری یا کاهش جرم است که از یکی از این دو طریق یا طرق دیگر حاصل می‌شود.

اساس، پیشگیری اصلاحی یا کیفری را می‌توان «پیشگیری طریقی» نامید زیرا آنها طریق و ابزار رسیدن به هدف پیشگیری هستند. اما شیوه‌هایی مثل غیرقابل دسترس کردن آماج جرم را می‌توان «پیشگیری موضوعی» نامید زیرا باعث ممتنع شدن بروز و ظهور جرم می‌شوند. به عبارت دیگر، در صورت موفقیت دستگاه کیفری در مجازات کردن فرد ممکن است پیشگیری حاصل نشود اما پیشگیری محصول خود به خود و بی‌قید و شرط شیوه‌های وضعی است مگر این که این شیوه‌ها به طریقی خنثی شوند. عامل دوم، مرحله دخالت یا زمان اقدام برای پیشگیری^{۴۰} است که می‌تواند قبل از ارتکاب جرم و به اصطلاح به صورت مستقیم یا کنشی، فعلی، عملی یا ابتکاری^{۴۱} باشد مثل پیشگیری وضعی یا پیشگیری مبنی بر اصلاحات اجتماعی قبل از وقوع جرم. ولی اگر پیشگیری پس از ارتکاب جرم صورت گیرد، در این صورت پیشگیری نام غیرمستقیم یا واکنشی، انفعالی یا عکس‌العملی^{۴۲} به خود می‌گیرد مثل پیشگیری کیفری. سومین عامل، محل یا زمینه یا موضوع دخالت^{۴۳} است که می‌تواند خود مرتکب یا شرایط و عوامل محیط بر او باشد که در این صورت به آن پیشگیری مبنی بر مرتکب یا مرتکب‌مدار^{۴۴} گفته می‌شود مانند پیشگیری اصلاحی، اعم از اصلاحات فردی و اجتماعی. اما زمینه و محل دخالت می‌تواند بزه‌دیده نیز باشد اعم از این که بزه‌دیده را افراد یا اشیا بدانیم. در این صورت پیشگیری

40. Stage/ Time of Intervention/ Prevention.

41. Direct/ Pro-Active Prevention.

42. Indirect/Reactive Prevention.

43. Place/ Subject of Prevention.

44. Offender-Centred/ Oriented Prevention.

مبنی بر بزه دیده یا بزه دیده مدار^{۴۵} نامیده می شود مانند پیشگیری وضعی. بدیهی است ترکیب مختلف این عوامل می تواند بهترین روش پیشگیری، و نه ضرورتاً روش مطلوب، را ارائه نماید که با توجه به نوع جرم و زمینه های فکری و اجتماعی در هر نظامی تعیین می شود.

انستیتوی ملی پیشگیری از جرم امریکا در سال ۱۹۸۶، پیشگیری از جرم را به دو دسته کنترل مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرده است.^{۴۶} کنترل مستقیم آن است که قبل از ارتکاب جرم به حفاظت از فرصتهای مجرمانه^{۴۷} یا همان بزه دیدگان می پردازد و کنترل غیرمستقیم بقیه موارد را تحت پوشش قرار می دهد. همین تقسیم بندی قبلاً نیز از سوی جرمی بنتام انگلیسی مطرح شده است. وی برای پیشگیری غیرمستقیم، از حضور پلیس نام می برد که منجر به عدم وقوع جرم می شود. در مورد پیشگیری مستقیم نیز به «اقدامات بازدارنده» یا «Suppressive remedies» اشاره می کند و منظورش اقداماتی است که مستقیماً باعث توقف وقوع جرم می شود. هرچند مجازات در نظر بنتام مهمترین نوع اقدام پیشگیرانه است اما وی آن را در دسته دیگری بنام «اقدامات جبران کننده» یا «Satisfactory remedies» ذکر می نماید.^{۴۸}

45. Victim-Centred/ Oriented Prevention.

46. Gilling, D. (1996), "Crime Prevention: Theory, Policy and Politics", London, UCL Press, p.3.

47. Criminal Opportunities.

48. Bentham, J. (1891), "Theory of Legislation", ibid, pp. 344-71.

جانسون (۱۹۸۷) نیز بین پیشگیری اصلاح‌گرا و تنبیهی تفکیک قائل می‌شود.^{۴۹} در نوع اول علل ارتکاب جرم مورد شناسایی، مطالعه و درمان قرار می‌گیرند، حال آن‌که در نوع دوم سعی بر ارباب مرتکب از طریق اعمال قانون کیفری به وسیله دستگاه قضایی و پلیس می‌شود. براین اساس، هر دو نوع پیشگیری مورد نظر جانسون پیشگیری مرتکب‌مدار و عکس‌العملی هستند که فقط در شیوه عمل با هم تفاوت دارند زیرا یکی اصلاح مرتکب یا شرایط حاکم بر او را برای نیل به هدف پیشگیری انتخاب می‌کند و دیگری تنبیه او را برمی‌گزیند.

چند نویسنده دیگر به نام فارستر و همکارانش،^{۵۰} دسته‌بندی متفاوتی ارائه می‌دهند. آنها براساس این که نقطه اتکا و اعمال سیاست پیشگیری مجنی‌علیه (بزه‌دیده) باشد یا خود مرتکب، به دو نوع پیشگیری مبتنی بر بزه‌دیده و مبتنی بر مرتکب قائل هستند که نوع اول ضرورتاً ابتکاری است اما نوع دوم می‌تواند به دو صورت ابتکاری یا عکس‌العملی و پس از وقوع جرم اعمال گردد.

آخرین تقسیم‌بندی که به آن اشاره می‌کنیم منسوب به برانتینگهام و فاوست^{۵۱} و مأخوذ و ملهم از پیشگیری و درمان بیماری‌های همه‌گیر است که در آن از یک سیاست سه مرحله‌ای سخن می‌گویند. آنها پیشگیری را

49. Johnson, E. (1987), "A Handbook of Crime and Delinquency Prevention", Westport: Greenwood Press.

50. Forrester, D., Chatterton, M., and Pease, K. (1988), "The Kirkholt Burglary Prevention Project", Rochdale, Crime Prevention Unit Paper 13, London, HMSO.

51. Brantingham & Faust (1976), "A Conceptual Model of Crime Prevention", Crime & Delinquency, 22: (284-96).

به اولیه،^{۵۲} ثانویه^{۵۳} و نهایی یا مرحله سوم^{۵۴} تقسیم می‌نمایند. دو نوع اول و دوم فعلی و ابتکاری و قبل از ارتکاب جرم به کار می‌روند و نوع سوم نیز عکس‌العملی و پس از ارتکاب جرم است. پیشگیری اولیه همان مبارزه با به وجود آمدن میکرب و جلوگیری از شیوع آن در جامعه است، به روشی که در علوم پزشکی مرسوم می‌باشد. محل اجرای چنین پیشگیری جامعه یا محیط جرم‌زاست که چنانچه در آن به از بین بردن محیط یا موقعیتها و عوامل جرم‌زا پرداخته شود به نظر صاحبان این نظریه بهترین روش و مرحله پیشگیری از جرم است. پیشگیری ثانویه نیز از شناسایی و درمان کسانی بحث می‌کند که بیشتر از دیگران در معرض هجوم عوامل جرم‌زا (میکربهای بیماری‌زا) قرار دارند مثل مرتکبین و بزه‌دیدگان بالقوه و دارای حالت خطرناک و مستعد برای حمله.^{۵۵} این مرحله به نظر صاحب‌نظران، انرژی زیادی را از محققین در جهت شناسایی و درمان افراد در معرض

52. Primary Prevention.

53. Secondary Prevention.

54. Tertiary Prevention.

۵۵. تحقیقات در کشورهای غربی نشان می‌دهد که برخی از افراد و مکانها بیش از دیگران قربانی جرم می‌شوند و یا جرم در برخی زمانها و مکانهای معین بیشتر اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال رجوع شود به:

Matthew, B. Robinson, (1998), "Burglary Revictimisation: The Time Period of Hightened Risk", *British Journal of Criminology*, vol.38, No.1: (78-87)

همین مقاله به وسیله نگارنده به عنوان درس متون حقوقی یک دوره کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در طول ترم اول سال تحصیلی ۸۱-۸۰ تدریس شده و ترجمه آن به زودی منتشر خواهد شد. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به:

- Sherman, L.W. (1995), "Hot Spots of Crime and Criminal Careers of Places", in Eck, J.E & Wisburd, D. (eds), *Crime and Place*, Criminal Justice Press: Monsey, N.Y.

- Taylor, R.B. (1997) "Crime at Small Scale Places": What we know, what we can prevent and what else we need to know, Conference on Criminal Justice and Evaluation, National Institute of Justice, <http://www.ncjrs.org>.

خطر مصروف خود می‌دارد. در پیشگیری نهایی یا مرحله سوم، که از نوع عکس‌العملی و پس از ارتکاب جرم است، با افرادی سر و کار داریم که مرتکب جرم شده‌اند (و در اصطلاح پزشکی مریض و مبتلا هستند) و یا بزه‌دیده واقع گردیده‌اند. هدف اصلی در این روش درمان مرتکبین و جبران خسارات وارده به بزه‌دیدگان است. هرچند موضوع این روش می‌تواند هم بزه‌دیده و هم مرتکب باشد اما به طور سنتی مرتکبین، بیشتر از بزه‌دیدگان موضوع سیاست‌های پیشگیرانه از این قبیل بوده‌اند.

از دیدگاه جرم‌شناختی (و حتی علم پزشکی) پیشگیری نهایی یا مرحله سوم ابتدایی‌ترین و کم‌بازده‌ترین روش پیشگیری است. دلیل این امر را می‌توان چنین بیان کرد که هرچند نهادهای مهم و پرطمطراقی همچون دستگاه قضایی، پلیس، زندان و دیگر مؤسسات کیفری و به اصطلاح متولی اصلاح و تربیت، ابزارهای انحصاری این نوع از پیشگیری هستند، متأسفانه بیشترین هزینه انسانی و مالی نیز از سوی همین دستگاهها بر دولت و جامعه تحمیل می‌گردد و کمترین بازده را نیز در زمینه پیشگیری در مقایسه با این هزینه‌ها تقدیم جامعه می‌نمایند.^{۵۶} تنها تفاوت این قسمت از نظام قضایی در مقایسه با نظام پزشکی (اگر دادگستری، زندان و نهادهای وابسته را بیمارستان و قضات، پلیس و سایر کارمندان را

۵۶ منظور نگارنده از هزینه‌های انسانی، غیر از موارد اشتباه قاضی یا سایر مقامات تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم که به رغم عدم وجود آمار موارد آن کم نیستند، آزار سوء زندان و سایر مجازات‌ها بر مرتکبین و خانواده‌های آنان و جامعه را دربرمی‌گیرد. (مراجعه کنید به روزنامه «جام جم»، سال سوم، شماره ۵۹۰ مورخ ۸۱/۳/۷۷، صفحات ۱ و ۱۳ درمورد اظهارات رئیس محترم سازمان زندانها مبنی بر این که ۷۰٪ خانواده زندانیان با بحران مالی روبرو هستند). صرف نظر از این که خود این پدیده برآزنده یک جامعه اسلامی نیست، عواقب و پیامدهای منفی آن مثل تکدی، فساد و از هم پاشیدگی خانوادگی نیز جای تأمل بسیار دارد.

نیز پزشک و پرستار فرض کنیم) این است که در اولی تأثیر و نتیجه غالب آلوده شدن افراد سالم و غیرقابل پیش‌بینی بودن این نتایج است اما در دومی نه تنها نتایج در عموم موارد قابل پیش‌بینی است بلکه قریب به اتفاق افراد آلوده‌ای که به بیمارستان وارد می‌شوند پس از خروج سالم هستند. در اینجا انسان ناخودآگاه به یاد فرمایش معصوم (ع) می‌افتد که فرمودند: «گناه نکردن آسان‌تر از توبه کردن است». یعنی توبه کردن و یا بدتر از آن وادار کردن افراد به توبه بسیار مشکل و پرهزینه و شاید در خیلی موارد غیرممکن باشد و بر فرض امکان نیز جرم و گناه اثر خود را برجای خواهد گذاشت. پس به عنوان نتیجه و ارزیابی بحث حاضر می‌توان گفت که اقتضای عقل و دین این است که علاج واقعه را به طور مؤثر قبل از وقوع باید کرد.

نظریه پیشگیری وضعی که در پی مطرح می‌شود، هرچند خاستگاه نظری ویژه خود را داراست، بر این است تا حتی‌المقدور راهکار عملی چنین پیشنهادی را معرفی نماید. نظر بر این است که شگردهای معرفی شده توسط این راهکار می‌تواند به طور ابتکاری از امکان وقوع بسیاری از اعمال مجرمانه با شیوه‌های نوین و خاص خود پیشگیری نماید.

پیشگیری وضعی

طرح پیشگیری وضعی از جرم به عنوان یک نظریه علمی اصالتاً تأسیسی انگلیسی است که توسط سه نفر به نامهای کلارک، می‌هیو و کرینش مطرح شده و توسعه یافته است. دو نفر اول، در کتابی تحت نام "Designing out Crime" در سال ۱۹۸۰ و کلارک و کرینش نیز در

کتاب دیگری تحت عنوان "The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspective on Offending" در سال ۱۹۸۶، به طرح و تحلیل آن پرداخته‌اند.^{۵۷}

رونالد کلارک، در مقدمه کتاب دیگر خود تحت عنوان: "Situational Crime Prevention: Successful Case Studies" که در سال ۱۹۹۲ منتشر و در سال ۱۹۹۷ با تغییراتی تجدید چاپ گردیده، بیان می‌دارد که این نظریه از جهت پیشگیری جرم اشاره به یک روش خاص دارد که مبتنی بر متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست. بلکه به طور ساده تکیه بر کاهش دادن فرصتها و موقعیتهای ارتکاب جرم دارد. او می‌افزاید که تصور می‌شود این ایده چیزی جز یک درک و فهم ساده نیست که بنابر آن افراد برای حفظ خانه خود از دستبرد بر دربهای آن قفل و شب‌بندهای خوب نصب می‌کنند. ضرب‌المثل معروفی در فرهنگ ایرانی وجود دارد که این درک و برداشت ساده از پیشگیری وضعی را به خوبی بیان می‌نماید و آن این‌که: «همال خود را حفظ کن و همسایه را متهم به

۵۷. این افراد مقالات دیگری نیز درخصوص این موضوع تألیف کرده‌اند که برخی از آنها به مناسبت در این مقاله مورد استناد قرار گرفته‌اند. رونالد کلارک دارای فوق‌لیسانس و دکترای روان‌شناسی از دانشگاه لندن است. او پروفیسور و رئیس مدرسه (مرکز مطالعات) عدالت کیفری دانشگاه راتجرز (دانشگاه دولتی نیوجرسی) است و قبلاً مدیر دپارتمان تحقیقات جرم‌شناسی دولت انگلیس بوده و در تشکیل واحد پیشگیری از جرم در وزارت کشور و طراحی و راه‌اندازی پروژه سنجش جرایم در انگلیس، که به طور سالیانه یا دو سال یکبار از سال ۱۹۸۲ انجام می‌شود، نیز نقش به‌سزایی داشته است. او همچنین بستهایی در دانشگاه تمپل در شهر سانی در آلبانی داشته است. به جز کتابهایی که فوقاً به آن اشاره شد و مقالات دیگری که از وی بوده و در این مقاله به آنها اشاره می‌شود، کتاب دیگری با همکاری یک نفر به نام Lester نوشته که در سال ۱۹۸۹ تحت این عنوان چاپ شده است:

Suicide: "closing the exit".

(برای اطلاع از آثار متعدد دیگر از کلارک به کتب و مقالات مذکور در همین مقاله مراجعه شود زیرا تعداد آنها زیاد بوده و ذکر همه آنها در این مقاله نمی‌گنجد).

دزدی نکن». اما پیشگیری وضعی چیزی فراتر از اینهاست و به قول خود کلارک زمانی که این رویکرد مدعی نظریه‌ای کلان درباره تحلیل جرم و پیشگیری از آن در سطح گسترده‌ای می‌شود بیش از پیش مورد تعجب و نقد قرار می‌گیرد. بر همین اساس، کلارک در این کتاب ضمن تعریف دقیق‌تری چنین می‌گوید:

«پیشگیری وضعی شامل اقدامات و روشهایی است برای کاهش فرصت که؛

۱- به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود،

۲- متضمن طراحی و مدیریت محیط بلاواسطه (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت و تحت نفوذ درآوردن هرچه پایدارتر و سازمان‌یافته‌تر محل وقوع جرم است،

۳- به طوری که زحمات و خطرات ناشی از اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله، به طوری که در نظر اکثر مرتکبین جلوه‌گر می‌شود، را کاهش می‌دهد».

کلارک شیوه‌های پیشگیری وضعی از جرم را براساس همین تعریف بدو در چاپ ۹۲ کتاب خود به سه دسته اصلی و هر دسته را به چهار گروه تقسیم کرده و بعداً در چاپ ۹۷ کتاب یک دسته دیگر نیز به آن افزوده و از هر کدام مثالهایی را ذکر کرده که عیناً جهت مزید اطلاع به شکل جدولی در صفحه بعد درج می‌گردد. این چهار دسته و گروههای مربوطه از این قرارند:

دسته اول - افزایش تلاش (زحمت) مورد نظر (Increasing perceived effort) که برای دستیابی به هدف لازم است، شامل:

۱- سخت کردن آماج جرم؛ مثل نصب قفل ایمنی روی فرمان خودرو و استفاده از شیشه سخت و نشکن روی اتاقک تلفنهای عمومی به منظور پیشگیری از تخریب سریع آنها.

۲- کنترل ورودی‌ها به اماکن مختلف یا دسترسی به اهداف مربوطه؛ مثل نرده کشی اطراف حیاط یا باغ و نصب کارت شناسایی روی سینه افراد مجاز و استفاده از شماره رمز.

۳- تغییر جهت اعمال مجرمانه مرتکبین مثل؛ بستن برخی خیابانها و نصب تابلوهای مخصوص شعارنویسی در جاهایی که افراد از طریق نوشتن مرتکب برخی بی‌نواکثیا می‌شوند یا نصب سطل زباله در محلهای مختلف برای جلوگیری از کیف شدن خیابانها و محلهای خاص.

۴- کنترل کردن و ایجاد محدودیت برای استفاده از ابزارهای تسهیل کننده ارتکاب جرم؛ مثل منع حمل اسلحه یا نصب عکس روی کارتهای اعتبار بانکی (به منظور جلوگیری از سوء استفاده افراد غیرمجاز) و نصب فن آوری لازم روی تلفنها برای شناسایی تلفن کننده به منظور پیشگیری از مزاحمتهای تلفنی.

دسته دوم- افزایش خطرات مورد نظر (Increasing perceived risks) برای ارتکاب جرم، مانند دستگیری یا شناخته شدن مرتکب، شامل:

۱- تحت نظر قرار دادن ورودی - خروجی در اماکن عمومی؛ مثل گشت مرزی، کنترل چمدانها در فرودگاهها و پایانه‌های مسافری (با وسایل

الکترونیکی)، نصب برچسب کتابخانه روی کتابها به منظور شناسایی آنها هنگام خروج از طریق دستگاههای الکترونیکی.

۲- نظارت رسمی؛ مثل گشت پلیس، استفاده از نیروهای امنیتی محافظ، زنگ دزدگیر و دوربینهای مادون قرمز.

۳- نظارت به وسیله کارمندان؛ مانند استفاده از دستیار راننده اتوبوس (برای جلوگیری از ندادن بلیط)، ناظرین پارکها و پارکینگها، نصب تلفنهای عمومی سکه‌ای در محلهای تحت نظارت مثل مغازه‌ها و

۴- نظارت طبیعی؛ مثل چراغانی کردن خیابانها، داخل بانکها و مغازه‌ها و ایجاد فضای قابل دفاع.

دسته سوم - کاهش دستاوردهای مورد انتظار از جرم یا همان سود حاصله (Reducing the anticipated rewards)، شامل:

۱- جابجایی و برداشتن آماج جرم؛ مثل برداشتن ضبط خودرو، حذف کنتورهای سکه‌ای گاز و امثال آن از خانه‌ها، استفاده از کارت تلفن به جای سکه (برای جلوگیری از سرقت سکه‌ها از قلک کنتورها و از باجه‌های تلفن).

۲- شناساندن یا نشانه‌گذاری اموال؛ مثل نشانه‌گذاری و داغ نهادن بر حیوانات (برای جلوگیری از سرقت و گم شدن و شناسایی سریع آنها)، نشانه‌گذاری اموال و اثاثیه ذی‌قیمت، استفاده از شماره رمز برای ورود به کامپیوتر یا استفاده از تلفن یا ضبط خودرو (که عملاً باعث بدون استفاده ماندن آن وسایل برای سارق می‌شود).

۳- حذف یا کاهش جذاییت وسایل تحریک آمیز؛ مثل کاهش آثار مخرب سلاحها، تمیز کردن بی‌نزاکتیها از روی دیوارها، تعمیر سریع (تلفنهای شکسته یا صندلیهای اتوبوس) و ارائه فهرست اسامی و شماره تلفن بدون ذکر خانم و آقا. (به منظور جلوگیری از شناسایی شماره تلفنهایی که متعلق به خانمهاست).

۴- تضییق یا جلوگیری از منافع؛ مثل حک کردن جوهری برچسبهای تجارتي روی کالا، استفاده از شماره رمز در رادیوپخش خودرو (که بدون آن بلااستفاده خواهد بود) و تمیز کسردن فوری بی‌نزاکتیهای روی دیوارها (تا مرتکبین نتیجه مورد نظر را به دست نیاورند).

دسته چهارم - حذف معاذیر (Removing excuses) یا از بین بردن عواملی که باعث تحریک یا تشویق فرد به ارتکاب جرم می‌شود و در برخی موارد می‌تواند به عنوان عذری مطرح گردد، شامل:

۱- برقراری مقررات؛ مانند مقررات گمرکی برای اعلام کالای همراه مسافر به مأمورین، ثبت نام هنگام ورود به هتل.

۲- تحریک وجدان و آگاهی؛ مانند نصب تابلو گویای این‌کس: «برداشتن چیزی (کیش رفتن و سرقتهای کوچک از مغازه هنگام خرید) سرقت محسوب می‌شود» و «احمقها مشروب می‌نوشند و رانندگی می‌کنند».

۳- کنترل (پایش) رهاکننده‌ها یا رهاکننده‌های کنترل شده؛ مانند قوانین مربوط به حداقل سن مجاز برای مشروب‌خواری یا نصب تراشه‌های مخصوص (V-chip) روی تلویزیون و کامپیوتر به منظور استفاده کنترل

شده از آنها یا جلوگیری از دسترسی به برخی برنامه ها و نصب قفل استارت در خودرو برای جلوگیری از استفاده‌های غیرمجاز.

۴- تسهیل رعایت قانون؛ مانند نصب وسایل خودکار در خروجی کتابخانه‌ها (به منظور جلوگیری از اتلاف وقت افراد به منظور بازرسی آنها)، سرویسهای بهداشتی عمومی و نصب سطل زباله.



The Sixteen Techniques of Situational Prevention*

Increasing perceived effort	Increasing Perceived Risks	Reducing the anticipated rewards	Removing excuses
<u>Target Hardening</u> Steering locks Bandit screens Slug rejector device Vandal-Proofing Toughened glass Tamper-proof seals	<u>Entry/Exit Screening</u> Border searches Baggage screening Automatic ticket gates Merchandise tags Library tags Epos	<u>Target Removal</u> Removable car radio Exact change fares Cash reduction Remove coin metres Phone card Pay by check	<u>Rule setting</u> Custom declarations Harrassment codes Hotel Registration
<u>Access Control</u> Locked gates Fenced yards Parking lot barriers Entry phones ID badges PIN numbers	<u>Formal surveillance</u> Police patrols Security guards Informant hotlines Burglar alarms Red light cameras Curfew decals	<u>Identifying Property</u> Cattle branding Property marking Vehicle licensing Vehicle parts marking PIN for car radios LOJACK	<u>Stimulating conscience</u> Road side Speedometers "Shoplifting is stealing" "Idiots drink and drive"
<u>Deflecting offenders</u> Bus stop placement Tavern location Street closures Graffiti boards Litter bins Spittoons	<u>Surveillance by employees</u> Bus conductors Park attendants Concierges Pay phone locations Incentive schemes CCTV systems	<u>Removing Inducements</u> "Weapons effect" Graffiti cleaning Rapid repair Plywood road signs Gender-neutral phone lists Park Camarro off street	<u>Controlling disinhibitors</u> Drinking age laws Ignition interlock V-chip
<u>Controlling facilitators</u> Spray-can sales Gun control Credit card photo Ignition interlock Server intervention Caller-ID	<u>Natural Surveillance</u> Pruning edges "Eyes on the street" Lighting Bank interiors Street lighting Defensible space Neighborhood watch	<u>Denying Benefits</u> Ink merchandise tags PIN for car radios Graffiti cleaning	<u>Facilitating compliance</u> Exit library checkout Public lavatories Trash Bins

*. Source: Clarke (1997), ibid.

نایجل ساوت،^{۵۸} جرم‌شناس انگلیسی، در تعریف پیشگیری وضعی می‌نویسد: «پیشگیری وضعی از جرم بر اداره، طراحی و کنترل محیط فیزیکی (ساخته شده) اتکا دارد به این منظور که فرصتهای ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب را، در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش دهد».

ملاحظه می‌گردد که نظریه وضعی به جای پرداختن به انگیزه‌ها و سائقه‌ها، که تغییر آنها تقریباً غیرممکن است و دست کم نتیجه‌گیری از آنها سهل‌الوصول نیست، به بستن راههای دستیابی مرتکب به موضوع جرم و بزه‌دیده یا به افزایش زحمت و خطر برای مرتکب می‌پردازد تا راه‌حلی عملی برای پیشگیری از جرم ارائه نماید. البته پرداختن به انگیزه‌ها و سائقه‌های مرتکبین از نظر طرفداران این رویکرد دور نمانده و از آنها در شناسایی افراد و اتخاذ روشهای مناسب و زمان و مکان (موقعیت) مناسب برای دخالت در جهت پیشگیری از جرم منظور استفاده شایان می‌شود.^{۵۹} این همان رویکرد اجتماعی به پیشگیری است که به دنبال تغییر انگیزه‌های مجرمانه و سائقه‌های موجود یا بالقوه در افراد و یا در محیط اجتماعی بوده و به عنوان یک نظریه از جرم، عوامل دیگر خصوصاً عوامل گذرا و تغییرپذیر^{۶۰} را در وقوع یا پیشگیری از جرم مؤثر نمی‌داند و یا کم‌تأثیر

58. South, N. (1987), "The Security and Surveillance of the Environment", in Lowman, J. & Menzies, R. & Palys, T. (eds), *Transcarceration: essays in the sociology of Social Control*, Aldershot: Gower.

59. در این زمینه مراجعه شود به مقاله‌ای از کلارک و کرینش تحت عنوان:

Cornish, D.B. & Clarke, R.V. (1987) "Understanding Crime Displacement: An Application of Rational Choice Theory", *Criminology* vol. 25, No. 4: (933-947).

60. *Transient/Transitory Factors*.

فرض می‌نماید. به عبارت دیگر در صورت وجود انگیزه برای ارتکاب جرم، سخت کردن دسترسی به آماج جرم تأثیری در پیشگیری نخواهد داشت. جیمز کیو ویلسون امریکایی (۱۹۷۹) در این مورد می‌گوید: «ما چگونه می‌توانیم پدر و مادرها را مجبور کنیم که بچه‌های خود را بیشتر دوست بدارند» تا در نتیجه کمبود محبت مرتکب جرم نشوند. لذاست که چنین افرادی راه‌حلهای ساده‌تری که همان مجازات مرتکب است را عملی‌تر می‌دانند. نویسنده دیگری به نام ساتن^{۶۱} در کتاب خود می‌گوید: «پیشگیری اجتماعی در حال حاضر شامل هر برنامه‌ای است که مدعی تأثیر بر نوع رفتارها، ارزشها و انضباط فردی (Self-discipline) در گروه‌هایی است که دارای زمینه ارتکاب جرم تلقی می‌گردند». این رویکرد در پی تحقق این اهداف از طریق اعمال سیاستهای اجتماعی نظیر؛ خانه‌سازی، تأمین سلامت عمومی، آموزش در مورد آثار مخرب مواد مخدر و الکل، تقویت بنیان خانواده، کار با جوانان و سیاستهای تولید کار برای آنها به مصاف جرم و مجرمیت می‌رود. اما کلارک (۱۹۸۰) اعتقاد دارد که طرفداران چنین دیدگاهی از جرم و پیشگیری از آن، شیوه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که حصول نتیجه از طریق آنها خیلی مشکل است. به نظر حتی چنین نتیجه‌ای، در صورت حصول نیز در اغلب موارد قابل ارزیابی نبوده و یا ارزیابی آن بسیار مشکل و نتایج حاصله غیرقابل اعتماد خواهند بود. مثلاً نمی‌توان در هر جامعه‌ای با افزایش سطح اشتغال یا کاهش فقر به کاهش

61. Sutton, A. (1994), "Crime Prevention: Promise or Threat", Australian & New Zealand Journal of Criminology, 27 (5-20).

جرم دست یافت یا تأثیر آن را به درستی اندازه گیری کرد هر چند ممکن است در برخی موارد و مکانها تأثیرهایی مشاهده شود.

نظریه پیشگیری وضعی از جرم تا حدی زیربنای فکری خود را مدیون دو اثر امریکایی است. این دو اثر عبارتند از نظریه «فضای قابل دفاع» «Defencible space» که توسط اسکار نیومن مطرح شده و نظریه «پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیط یا CPTED»^{۶۲} منتسب به شخصی به نام جفری که در دو کتاب تحت همین عناوین در سالهای (۱۹۷۲) و (۱۹۷۱) منتشر شده‌اند.^{۶۳} نیومن، که یک مهندس معماری است، طراحی ساختمانهایی را که به صورت مجتمع ساخته شده بودند را به دلایل مختلف مورد انتقاد قرار داد. وی ادعا کرد که چنین مجتمع‌هایی به خاطر داشتن ورودی و خروجیهای متعدد و محوطه‌های عمومی و کنترل نشده از سایر انواع ساختمانها در برابر برخی جرایم مثل سرقت آسیب پذیرترند. نیومن پیشنهاد کرد که این گونه عیوب با افزایش کنترل و کاهش راههای فرار مرتکبین و همچنین حذف یا استفاده مفید و بهینه از محیطها و ممرهایی که عبور و مرور در آنها کم است قابل رفع می‌باشند.

به اعتقاد طرفداران رویکرد وضعی از جرم، چنین یافته‌هایی توسط تئوریهای متقدم (اشاره به مکاتب کلاسیک و پوزیتیویسم خصوصاً از نوع لمبروزویی آن) قابل درک، تبیین و تفسیر نیست. زیرا چنین منظرهایی از جرم و ارتکاب آن، به رغم اشاراتی که به تأثیر جزئی عواملی از این دست

62. Crime Prevention Through Environmental Design.

63. Newman, O., (1972), "Defencible Space": Crime Prevention Through Urban Design, New York, Macmillan.

-Jeffry, C. 1971, "Crime Prevention Through Environmental Design", Beverly Hills, Sage.

در رفتار و تصمیم‌گیری انسانها داشته‌اند^{۶۴} اما تأثیر درازمدت عوامل زیستی-روانی، تربیتی، فرهنگی و امثال آن را در شکل‌گیری و جهت رفتار انسان و خصوصاً تصمیم‌گیریهای او تعیین‌کننده‌تر می‌دانند. این برداشت با زیربنای فکری رویکرد وضعی و تأکید و تکیه آن بر تأثیر عوامل گذرا و وضعی در ارتکاب جرم و نحوه پیشگیری از آن فاصله زیاد و تفاوت اساسی دارد. به رغم منطبق به ظاهر قوی چنین تفاوتی و عدم پذیرش تأثیر عوامل موقتی و وضعی مثل زمان و مکان یا موقعیت بزه‌دیده یا کیفیت تأثیر فرصت مجرمانه و بزه‌دیده بر وقوع جرم و نهایتاً ترکیب آنها به صورت یک تئوری قوی برای پیشگیری از وقوع جرم از سوی تئوریهای سنتی یا دست کم عدم توجه کافی به آنها، تحقیقات جدید صحت تأثیر قابل توجه اینگونه عوامل را تأیید کرده و لذا بازبینی در

۶۴. در این مورد می‌توان به نظریه‌های جسته و گریخته برخی جرم‌شناسان کلاسیک و قبل از آن مانند لمبروزو، آنریکوفری و حتی حقوقدانانی همچون بنتام انگلیسی درخصوص پیشگیری و مفاهیمی مانند «جرایم بازدارنده» در افکار گاروفالو و «جانشین‌های کیفری» در افکار فری و امثال آنها اشاره کرد. لمبروزو، به رغم اعتقاد راسخ به تعیین‌کننده بودن عوامل زیستی در رفتار (مجرمانه) انسان، پیشنهاد کرد تا به منظور کاهش آثار نامطلوب الکلی، بر روی نوشابه‌های الکلی مالیات بسیار سنگین وضع کنند. فری در مفهومی گسترده‌تر به «جانشین‌های کیفری» اشاره می‌کند که به نظر او «پادزهرهای عالی برای عوامل اجتماعی بزه محسوب می‌شوند». برخی از آنها عبارتند از آزادی داد و ستد برای جلوگیری از افزایش غیرطبیعی قیمت مواد خوراکی و جرایم بازار سیاه، لغو انحصارات به منظور حذف قاچاق، جانشین کردن طلا و نقره به جای اسکناس، زیرا تشخیص جعلی بودن آنها مشکل است، ایجاد کوچه‌های پهن در شهرها و بهبود روشنایی در شبها که به کاهش دزدی کمک می‌کند و ...

همچنین می‌توان از نظریات آدلف کتله بلژیکی در رابطه با تأثیر محیط جغرافیایی و آب و هوا بر جرم در کتاب «فیزیک اجتماعی» و لاکاساین فرانسوی در مورد تأثیر عوامل محیطی بر جرم و پیشگیری از آن یاد نمود. (ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری مؤسسه یلدا، صفحات ۸-۱۶). برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به:

- کی نیا (دکتر)، مهدی، ۱۳۶۰، مبانی جرم‌شناسی (جلد دوم): جامعه‌شناسی جنایی، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۶۷-۶۷.

- نوربها (دکتر)، رضا، زمینه جرم‌شناسی، همان، صص ۶-۴۵.

دیدگاههای قبلی نسبت به آنها را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. مثلاً در تحقیقی در سال ۱۹۲۵ توسط شخصی بنام برت^{۶۵} نشان داده شد که مدت طولانی‌تر ساعات تاریکی در زمستان نرخ جرایم علیه اموال را بالا می‌برد. همچنین مطالعات و تحقیقات پیرامون دزدی از خانه‌ها نشان داده که بیشتر مرتکبین اهمیت زیادی به دوری از خطر دستگیر شدن یا حتی دیده شدن توسط دیگران و همچنین نحوه انتخاب هدف مورد نظر خود می‌دهند.^{۶۶}

بنابراین، چنانچه با نصب وسایلی مثل دزدگیر یا دوربین مداربسته و یا حتی با برقراری گشت پلیس، میزان خطر دستگیر شدن یا دیده شدن مرتکبین را افزایش دهیم به هدف خود یعنی پیشگیری، هرچند موضعی و موقتی، دست یافته‌ایم، در حالی که در نظریه‌های متقدم جرم‌شناسی چنین عواملی مورد توجه قرار نگرفته‌اند و یا دست کم در حاشیه قرار داده شده‌اند.^{۶۷} به نظر می‌رسد که حتی اگر ما بتوانیم زمان ارتکاب جرم را به تعویق بیندازیم و یا حتی امکان و نوع آن را عوض کنیم باز هم موفق بوده‌ایم - هرچند در صفحات آتی اشاره خواهد شد که یکی از مهمترین انتقادات به رویکرد پیشگیری وضعی همین امور است - دلیل این موفقیت این است که منافع حاصله از چنین تغییر و جابجایی قابل توجه است مثل کاهش ترس از جرم یا همان احساس عدم امنیت در یک منطقه از طریق

65. Bert, (1925), "The Young Delinquent", London, University of London Press.

۶۶. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به منبع معرفی شده در پاورقیهای شماره ۴-۷ و ۵۵

۶۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

- Shneider & Kitchen (2002), *ibid*.

- Taylor (1997), *ibid*.

انتقال جرایم ارتكابی به محلی دیگر که ناشی از بکارگیری روشهای پیشگیری در مکان اول است.

علاوه بر اینها پیشگیری وضعی از جرم، توضیح پویاتر و ملموس تری از ارتكاب آن نسبت به نظریه‌های متقدم ارائه می‌دهد و زمینه را برای پیشگیری ملموس تر و عملی تر فراهم می‌نماید. این امر از دیدگاه دست‌اندرکاران اجرای قانون مثل قوه قضاییه و پلیس می‌تواند به عنوان موفقیت‌های قابل گزارش به جامعه قلمداد شود. به عنوان مثال هرچند ممکن است اقدام هماهنگ پلیس و قوه قضائیه در انهدام منطقه جرم‌خیز «خاک سفید تهران» در نظر برخی اقدامی موقتی تلقی شده و تصور شود که جرایم مربوطه، به سایر مناطق شهر منتقل (جابجا) خواهد شد اما از منظر مجریان طرح موفقیت آن چشمگیر بوده و در زمان خود موضوع گزارش‌ها و اعلانات متعددی در جهت معرفی پلیس به عنوان یک نهاد فعال و دلسوز قرار گرفت.

با وجود تأثیر غیرقابل انکار مفاهیمی که در بالا به آنها اشاره شد و شاید به همین دلیل، رویکرد وضعی ابتدا بر یک تصور خام از عامل «انتخاب» معادل واژه انگلیسی "Choice" در ارتكاب جرم استوار بود. ولی بعداً به «انتخاب معقول یا حسابگرانه» معادل عبارت "Rational choice"، تغییر نام داد. به همین دلیل از این رویکرد گاهی به عنوان «دیدگاه انتخاب معقول یا حسابگرانه» از جرم یا «مدل انتخاب» معادل واژه‌های انگلیسی "Rational choice perspective" و "Choice model" نیز یاد می‌شود.^{۶۸}

۶۸. برای درک مفهوم واژه‌های به کار رفته و زیربنای فکری و فلسفی رویکرد وضعی کتاب زیر قابل مراجعه است:

به نظر کلارک و کرنیش این دیدگاه به عنوان یک نظریه علمی درباره ارتکاب جرم و پیشگیری از آن، منبعث از دو فرضیه است: یکی این که براساس درک عامه و مطالعات رفتاری نژادهای مختلف واقعیتی روشن وجود دارد و آن این که افراد غالباً دانسته و آگاهانه مرتکب جرم می‌شوند، هرچند ممکن است زمینه‌ساز چنین اقدامی عوامل پنهان و آشکار مختلفی بوده باشد.^{۶۹}

دیگر این که براساس یک تحلیل اقتصادی از جرم،^{۷۰} ارتکاب آن نوعاً برای جلب منفعت، غالباً از نوع مادی آن، است که گاهی به صورت سود مستقیم حاصل از جرم، مثل سرقت پول، جلوه‌گر می‌شود و گاهی نیز به صورت دفع ضرر مثل کشتن مورث یا وارث حاجب (به منظور دسترسی سریع‌تر به ماترک)، نمایان می‌گردد. در این راستا، مرتکب ضمن جلب منفعت خود سعی می‌کند از ضررهای ناشی از آن (خطر شناسایی و دستگیری - آبروریزی و مجازات) نیز احتراز نماید. بنابراین وقتی فردی قصد ارتکاب جرمی را می‌نماید دو عامل برای او تعیین‌کننده است؛ محاسبه و تضمین سود حاصله از ارتکاب جرم و احتراز از خطرات و عوارض منفی ناشی از آن. بدیهی است که چنین محاسبه‌ای عقلانی بوده و احتیاج به تفکر و تعقل دارد و هیچ عاقلی بدون محاسبه این دو عامل دست به ارتکاب جرم نخواهد زد. در نتیجه ارتکاب جرم از این منظر یک انتخاب معقول و حساب

→

Cornish & Clarke. (1986), "The Reasoning Criminal: Rational Choice Perspective on offending", New York, Spring-verlag.

69. Parker, H. (1974), "View from the Boys", Newton Abbot: David & Charls.

۷۰. این دیدگاه در افکار متفکرینی مثل بنتام و قبل از او هابز (فیلسوف انگلیسی) قابل ردیابی است که معتقد بودند انسانها طبعاً به دنبال جلب منفعت و دفع ضرر از خویش هستند.

شده و در نتیجه قابل پیش‌بینی خواهد بود که می‌توان با درک صحیح نحوه شکل‌گیری و اجرای آن وارد عمل شد و از فعلیت یافتن آن جلوگیری کرد.

اگرچه به طوری که اشاره شد امور فوق، یعنی عقلانی بودن ارتکاب جرم و محاسبه سود و زیان حاصله (به صورت جلب منفعت و یا دفع ضرر) قبلاً به صورت یک فرضیه فلسفی در تفکرات اندیشمندانی مثل بنتام مورد توجه قرار گرفته بود اما امروزه شواهد و مدارک و همچنین نتایج تحقیقات جرم‌شناختی، خصوصاً در قالب مطالعات مبتنی بر خود گزارشی،^{۷۱} وجود آنها را در شکل‌گیری واقعت مجرمانه به ویژه جرایم علیه اموال و از همه مهمتر در انواع سرقت عیان کرده‌اند،^{۷۲} لذا می‌توان با بکار بردن روشهای مناسب در مواقع و اماکن مورد استفاده مرتکبین، فنون ارتکاب جرم آنها را خنثی کرد.

تفاوتی که این رویکرد با نظریات متقدمین درباره شناخت جرم و نحوه پیشگیری از آن دارد این است که در رویکرد وضعی از فنون و شیوه‌هایی بحث می‌شود که می‌تواند مرحله عملیاتی ارتکاب جرم را متوقف و خنثی نماید در حالی که نظریه‌های دیگر در فکر کور کردن راههای

71. Self-Report Studies.

۷۱. مراجعه شود به: «مطالعات خود گزارشی: مباحث کلیدی در جرم‌شناسی»، پاورقی شماره ۳۴. پدیده انتخاب عقلانی و محاسبه سود و زیان حاصله از جرم توسط مرتکب از لابلای گزارشات موجود از مقامات مسؤول در وزارت کشور خودمان نیز قابل استخراج است. مثلاً در صفحه ۹ روزنامه «ابرار» شماره ۳۹۱۳ روز پنج شنبه مورخ ۸۱/۳/۱۶ از قول یک کارشناس وزارت کشور تحت عنوان «افزایش بی سابقه سرقت در کشور» آمده است: «۲۲٪ از سرقتها دو نفری و ۳۷٪ از آنها به صورت گروهی، ۸٪ به صورت صحنه‌سازی، ۸٪ از طریق گروگانگیری و ۸۹/۵٪ در روز اتفاق می‌افتد که همگی دال بر طرح نقشه قبلی و آگاهی کامل از نحوه و پیامدهای سرقت است...».

ورود فرد به دنیای ارتکاب جرم و حداکثر تأثیرگذاری بر مرحله تصمیم‌گیری مرتکب هستند. هرچند به نظر می‌رسد این دو مکمل یکدیگرند اما اتخاذ تفکر دوم نتایج فوری‌تر و ملموس‌تری را نصیب جامعه و دست‌اندرکاران امر پیشگیری از جرم می‌نماید. بر همین اساس مدافعین رویکرد پیشگیری وضعی، زمینه‌های انسانی و اجتماعی مرتکب را کلاً نادیده نگرفته‌اند بلکه از آنها در شناسایی مرحله ابتدایی یا اولیه ورود فرد به چنین دنیایی (دنیای جرم) و نحوه تصمیم‌گیری وی مدد می‌گیرند. طرفداران نظریه پیشگیری وضعی معتقدند خصوصیات شخصیتی مرتکبین در آماده‌سازی آنها برای ورود به کانون مجرمین و انتخاب نوع جرم مؤثر است نه در انتخاب شیوه یا نحوه یا زمان ارتکاب خود جرم. به زبان دیگر، عواملی از قبیل شخصیت و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی یسا فشارهای سیاسی و غیره از عوامل مُعدّه و بعیده هستند در حالی که مسأله انتخاب یک هدف مجرمانه خاص و محاسبه سود و زیان و نحوه شکار هدف تعیین شده در مرحله نزدیک‌تری به زمان و مکان وقوع جرم قرار دارد.

دخالت در همین مرحله وقوع جرم است که می‌تواند پیشگیری حتمی را به همراه داشته باشد و نتایج آن نیز ملموس‌تر است. چرا که احتمال انصراف مرتکب در مراحل قبلی به دلایل مختلف زیاد است و شناسایی او و عوامل محیط بر شخصیت وی نیز غالباً بسیار مشکل صورت می‌گیرد اما در این مرحله (مرحله عملیاتی یا فعلیت یافتن جرم) او وارد عمل شده و شناسایی و تأثیرگذاری روی او نیز حتمی‌تر است. بر همین اساس در نظر کلارک، بایستی برای دستیابی به یک پیشگیری مؤثر و ملموس بین دو مرحله «ورود ابتدایی» یا «آشنایی ابتدایی»

(Initial involvement) به دنیای جرم، شیوه‌ها و خصوصیات آن و مرحله «تصمیم‌گیری» (Decision making) با «مرحله عملیاتی» یعنی اقدام برای ارتکاب جرم (Event model) تفکیک قائل شد و به منظور پیشگیری موفق در مرحله دوم به نحو مقتضی و متناسب برای حفاظت از هدف منظور دخالت کرد.^{۷۳}

کرنیش و کلارک در کتاب چاپ ۱۹۸۶ خود تأکید می‌کنند، وقتی که جریان تصمیم‌گیری در ارتکاب یک جرم خاص و نه جرم به طور کلی تشخیص داده شد، آن گاه نظریه «انتخاب» می‌تواند زیربنای روشهای پیشگیری و مداخله را در همان جرم خاص تشکیل دهد. به عبارت دیگر، در هر مورد باید مرحله و جریان اتخاذ تصمیم برای ارتکاب آن جرم و مرحله زدن یا شکار یک هدف خاص شناسایی شده را درک کرد و در آن مرحله به طور مقتضی و در وقت مناسب دخالت نمود. برای نیل به این اهداف آنها معتقدند طبقه‌بندی جرایم نیز باید عوض شود. مثلاً ما نه تنها باید سرعت از مناطق تجاری را از سرعتهایی که از منزل صورت می‌گیرد جدا کنیم بلکه زیرمجموعه‌های هر کدام نیز بایستی به طور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته و روش خاص خودش را برای جلوگیری از وقوع آن به کار گرفت. تفاوت شخصیتی مرتکبین متعدد، اهمیتی در این راستا ندارد چرا که؛ «در هر صورت، لزوم شناسایی و مدنظر قرار دادن یک گونه فردی از ارتکاب جرم با کوشش برای کنترل اشکال خاصی از جرم

73. Cornish & Clarke, (1986), "Situational Prevention: Displacement of Crime and Rational Choice Theory", in Heal & Laycock, *Situational Crime Prevention: From Theory into Practice*, London, HMSO, pp.1-16.

متفاوت است و اولی ضرورتاً بهترین شیوه برای رسیدن به این هدف نیست».^{۷۴}

نتیجه گیری

پیشگیری وضعی از جرم، به عنوان یک دیدگاه یا منظر خاص در کنار سایر رویکردها به امر پیشگیری، به طوری که در این مقاله بحث شد بر دخالت و تأثیرگذاری بر یک مرحله خاص از ارتکاب جرایم خاص، عمدتاً علیه اموال، یعنی جرایم «سودمدار» یا «طریقی» (و ابزاری) نظر و تمرکز دارد. معیناً به نظر می‌رسد که بسیاری از جرایم «موضوعی» یا «تصادفی» نیز به تعبیری که در مقاله دیگری از نگارنده بیسان خواهد شد قابل پیشگیری از طریق اعمال شگردهای وضعی هستند.^{۷۵} این در حالی است که جرایم دسته اول از نظر کمی بسیار زیادتر و دست و پاگیرتر و از نظر کیفی اضطراب‌آورتر و از لحاظ مادی نیز بسیار زیان‌آورتر از دسته دوم هستند.^{۷۶} اغلب جرایم خیابانی، که امروزه مشکل جامعه ایرانی نیز

۷۴. منبع پیشین.

۷۵. این مقاله تحت عنوان: «انتقادات وارده بر پیشگیری وضعی» در شماره بعدی همین مجله چاپ خواهد شد.

۷۶. هرچند در ایران آماری از میزان خسارات مادی ناشی از جرایم نسبت به اموال در سطح ملی یا حتی استانی یافت نشد اما آمارهای ارائه شده در منابع خارجی بسیار خیره‌کننده هستند. مثلاً یک تحقیق در انگلستان نشان داد که در سال ۱۹۸۳ کسانی که خودرو آنها مفقود شده در حدود یکصد و شصت میلیون لیره، و بزه‌دیدگان سرقت از منزل و نیز سرقت از خودرو و تخریب آنها حدود یکصد میلیون لیره انگلیسی ضرر کردند:

(Williams, S.K. (1997), Textbook on Criminology 3rd ed., London, Blackstone Press Limited, p. 103).

براساس یک تحقیق پیمایشی جرم در انگلیس، تعداد جرایم نسبت به اموال (شامل واندالیسم، سرقت از منزل، سرقت از خودرو و سرقت خودرو) در مقایسه با تعداد کل جرایم بدین شرح گزارش شده است:

هستند، در همین دسته قرار می‌گیرند و تعدادی از آنها هم که به لحاظ تعریف مشمول دسته دوم قرار می‌گیرند از نظر نحوه ارتکاب و شیوه پیشگیری، تابع جرایم ابزاری یا طریقی می‌باشند.^{۷۶}

صرف نظر از انتقاداتی که مشروحاً طی مقاله جداگانه‌ای از نگارنده در همین مجله مطرح خواهد شد، رویکرد وضعی در زمینه پیشگیری از جرایم علیه اموال و حتی برخی انواع جرایم علیه اشخاص و علیه امنیت مثل ترور، راهکارهای عملی‌تر و مؤثرتر و محسوس‌تری را ارائه می‌نماید. مضافاً بر این که جرایم علیه اموال، چنانچه اشاره شد، نه تنها از نظر تعداد در همه کشورهای همیشه بالاترین آمار را به خود اختصاص می‌دهند بلکه بیشترین نگرانی و ترس از جرم^{۷۷} (یا احساس عدم امنیت خصوصاً نگرانی و ترس

سال ۱۹۸۱ کل جرایم ۱۱،۰۴۶،۰۰۰ و چهار جرم فوق‌الذکر ۵،۲۱۷،۰۰۰
 سال ۱۹۹۱ کل جرایم ۱۵،۱۲۵،۰۰۰ و چهار جرم فوق‌الذکر ۷،۸۴۳،۰۰۰
 سال ۱۹۹۵ کل جرایم ۱۹،۱۶۱،۰۰۰ و چهار جرم فوق‌الذکر ۹،۴۹۲،۰۰۰
 سال ۱۹۹۷ کل جرایم ۱۶،۳۷۱،۰۰۰ و چهار جرم فوق‌الذکر ۷،۹۸۷،۰۰۰
 سال ۱۹۹۹ کل جرایم ۱۴،۷۱۶،۰۰۰ و چهار جرم فوق‌الذکر ۷،۰۹۳،۰۰۰

منبع:

The 1998 British Crime Survey, Table: A3.1 و The 2000 British Crime Survey Table: A2.3 in Shneider & Kitchen (2002), ibid, p.47.

همچنین در ایران، جرایم نسبت به اموال، خصوصاً انواع سرقت، افزایش سرسام‌آوری داشته است که هرچند آمارهای دقیقی در این مورد از مراجع رسمی منتشر نمی‌گردد اما مشاهدات و مسموعات روزمره و اشاره به برخی گزارشات و اظهارات مسؤولین امر برای اثبات این مدعا کافی است. مثلاً مراجعه شود به گزارشی تحت عنوان: «افزایش بی سابقه سرقت در کشور» منتشره در صفحه ۹ روزنامه «ابرار» شماره ۳۹۱۳ روز پنج شنبه مورخ ۸۱/۳/۱۶.

77. Fear of Crime/Insecurity.

در مورد احساس عدم امنیت و دلایل و تعاریف آن رجوع کنید به:

- Williams, S.K. (1997), Textbook on Criminology, 3rd ed., England, Balckstone Press Limited, pp.111-114.

←

ناشی از جرایم خیابانی مثل زورگیری) را نیز در بین مردم به وجود می‌آورند. به هر تقدیر، کاهش یا حذف چنین نگرانی‌هایی ولو با بکارگیری شیوه‌های کم عمق و گذرا ولی ملموس و قابل رؤیت از سوی دولت یا بزه‌دیدگان احتمالی، نه تنها می‌تواند احساس عدم امنیت و ترس از جرم را، که بیشتر جنبه روانی دارد، کاهش دهد بلکه از نظر سیاستمداران و مجریان قوانین (پلیس و قوه قضاییه) منافع و امتیازات زیادی نسبت به رویکردهای دیگر داراست که شاید بتوان آنها را چنین خلاصه کرد:

۱- در این رویکرد بار مسئولیت پیشگیری از جرم بیشتر برعهده و دوش افراد جامعه است تا دولت.

۲- مخارج کمتری برای دولت دارد، هرچند کمک دولت خصوصاً به قشر فقیر و کم درآمد جامعه در جهت امن کردن محلهای کار و سکونت آنان امری اجتناب‌ناپذیر و حیاتی است.

۳- در صورت شکست روشهای اتخاذی هیچ سازمان معین دولتی پاسخگو نخواهد بود ولی اگر موفق بود سازمانهای دست‌اندرکار می‌توانند آن را در شمار کارهای انجام شده خود قلمداد کرده و براساس آن بهره‌برداری‌های اجتماعی و حتی سیاسی بنمایند (البته شق اخیر در صورتی است که مسأله جرم و مبارزه با آن، یکی از عوامل مهم در انتخاب یک فرد یا حزب معین برای رهبری و اداره یک نهاد یا سازمان و یا حتی یک کشور به شمار رود. این امر در کشورهای غربی و امریکا یکی از عوامل

→

- Schneider, *ibid*, Chapter 7, under Sub-Heading: Public Perception of Crime as a "Quality-of-Life" Issue, pp. 184-88.

مهم برای جلب آرای مردم در انتخابات مختلف مقامات سیاسی و اداری است).

۴- با اعمال چنین روشهایی امکان محاسبه میزان جرایمی که پیشگیری شده، وجود دارد در حالی که با اصلاحات اجتماعی و غیره چنین امکانی وجود ندارد.

۵- در این رویکرد ما با تعداد کمی از مردم که تصمیم به ارتکاب جرم گرفته‌اند سر و کار داریم در حالی که برابر سایر نظریه‌های جرم‌شناختی، مجبور هستیم همه مردم را مرتکب بالقوه فرض کرده و سعی در تأثیرگذاری بر رفتار آنها بنماییم. در نتیجه میزان تأثیر و کیفیت آن در صورت اخیر کمتر است در حالی که در رویکرد وضعی فقط اهداف و موضوعات معینی که در معرض خطر بوده و مورد علاقه طبقات خاصی از مرتکبین هستند مورد حفاظت قرار می‌گیرد.

بر همین اساس، پیشگیری وضعی در پی تأمین و ارائه یک روش برخورد عملی و مؤثر با این گونه جرایم و عوارض آنهاست تا خواست جامعه و سیاستمداران در مورد کاهش این اضطرابها و خسارات مادی و معنوی ناشی از آنها و کاهش هرچه بیشتر تعداد قربانیان و آماج سهل‌الوصل این گونه جرایم را برآورده نماید.

مسلم است که این منظر به تنهایی نمی‌تواند همه زوایای اعمال مجرمانه با همه انواع و گسترده‌گی آنها را توجیه و تفسیر کرده و برای پیشگیری از آنها راه‌حل ارائه نماید، هرچند در بسیاری زمینه‌ها پیشرفتهای واقع‌بینانه‌تر و عملی‌تری به ارمغان آورده است. همچنین به نظر می‌رسد که رویکرد وضعی برخلاف دیدگاههای دیگر در مورد پیشگیری، راه مبارزه با

جرم را از طریق تحمیل بر بزه‌دیده و حتی فشار بر او، و مقصر قلمداد کردن او به طرق مختلف و با توجیهاات و تعابیر گوناگون هموار می‌کند. به بیان دیگر، در این رویکرد، بزه‌دیده است که محدود می‌شود و باید متحمل ضرر شود و نه مرتکب، خصوصاً در مواردی که به بزه‌دیدگان بالقوه توصیه می‌شود تا برای احتراز از بزه دیده شدن در مواقع خاصی از شبانه‌روز یا در مکانهای خاصی رفت و آمد نکنند یا به طرز خاصی در جامعه ظاهر نشوند.^{۷۸} اگر قادر به کنترل مرتکبین احتمالی، که از نظر تعداد به مراتب کمتر از تعداد بزه‌دیدگان هستند، نباشیم چگونه ممکن است خیل عظیم مردم را که هر کدام یک قربانی بالقوه هستند و اموال و متعلقات آنها را محافظت کرد؟! البته می‌توان چنین استدلال کرد که عوارض منفی ایسن نقد در مقابل استحکامی که پیشگیری وضعی از جرم دارد رنگ می‌بازد. زیرا روش پیشگیری مبتنی بر بزه‌دیده مؤثرتر و نتایج آن عملی‌تر و قابل اندازه‌گیری‌تر و شناسایی بزه‌دیدگان، خصوصاً اموال و کسانی که در معرض بزه‌دیدگی مجدد یا مکرر قرار دارند، راحت‌تر از مرتکبین احتمالی است. علاوه بر این، شناسایی و محافظت بزه‌دیدگانی که در معرض بزه‌دیدگی مجدد یا مکرر قرار دارند می‌تواند ما را به نتایج چشمگیرتر و ملموس‌تری در کاهش تعداد کل بزه‌دیدگیها و به بیان دیگر ارتکاب جرایم، نایل گرداند. زیرا تحقیقات نشان می‌دهد که قسمت اعظم

۷۸. این امر زمانی غیرقابل توجیه‌تر می‌گردد که برخی اعمال و رفتار قانونی و مشروع بزه‌دیده، حامل جذب مرتکب به سوی او یا تحریک وی برای ارتکاب جرم تلقی گردد. در ادبیات بزه‌دیده شناسی به این پدیده "Victim Precipitation" گفته می‌شود و شاید علت اصلی وضع مقررات مخففه برای مرتکب مثل تحریک بزه‌دیده در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ همین امر باشد، هرچند ظاهراً تحریک موضوع این ماده در حد معاونت موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی است که صرفاً به صورت فعل مثبت رخ می‌دهد.

بزه دیدگیها را بزه دیدگیهای مجدد و مکرر^{۷۹} تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال، طبق تحقیقات پیمایشی از جرایم، انجام شده در انگلستان در سال (۱۹۹۲)، یک دوم کسانی که به پرسش نامه تحقیقات پاسخ داده‌اند بزه دیده مکرر بوده‌اند و ۸۱٪ درصد کل جرایم گزارش شده در مورد آنها اتفاق افتاده است.^{۸۰}

با این وجود کاهش نرخ جرم و مجرمیت از طرق وضعی غیر عملی نیز نیست ولی این امر مستلزم جدی گرفتن مطلبی است که در شروع بحث به آن اشاره شد. و آن این که؛ طرح و اجرای یک سیاست جنایی فراگیر و نسبتاً کامل و واقع‌بینانه، که جامع همه شرایط لازم برای مبارزه با پدیده جرم بوده و مانع بروز و ظهور پیچ و خمهای غامض و غیرقابل فهم در این راه باشد، زمانی میسر است که منظر پیشگیری وضعی از جرم در کنار سایر دیدگاههای موجود از جرم و پیشگیری قرار گرفته و به صورت مکمل عمل کرده و نقاط کور یکدیگر را روشن نمایند تا به این ترتیب از

۷۹. این دو لفظ به ترتیب معادل کلمات انگلیسی Re-Victimisation و Repeat Victimization هستند و طبق تحقیقات انجام شده در برخی کشورها مثل انگلستان و آمریکا، چنین پدیده‌ای در مورد آماج خاص و برخی مناطق و زمانهای معین، (اصطلاحاً Hot Spots یا نقاط بحرانی و جرم‌خیز) رخ می‌دهد. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

- 1- Robinson, M.B. (1998), *Burglary Revictimization: The Time Period of Heightened Risk*, *ibid*.
- 2- Farrell, G & Pease, K. (1993), *Once Bitten, Twice Bitten: Repeat Victimization and its Implications For Crime Prevention*, Police Research Group, Crime Prevention Paper 4b, London, HMSO.

۸۰. نام این گونه تحقیقات به زبان انگلیسی عبارت است از:

Crime Survey/Victim Survey.

و بر این اساس در انگلستان به نام British Crime Survey (BCS) معروفند. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

- Mayhew, P., Maung, N & Mirrlees-Black, C. (1993), *The 1992 British Crime Survey*, London, HMSO.

دستاوردهای متقابل در جهت تکمیل روشهای مبارزه با جرم، که هدف مشترک همه آنهاست، و جلوگیری از افراط و تفریطهای بی جا و موضعی در رابطه با مشکل جرم کمال بهره برداری را بنمایند.

دلیل پیشنهاد اتخاذ یک سیاست مبتنی بر دیدگاه تلفیقی بر کسی پوشیده نیست چرا که نمی توان انکار نمود، ارتکاب یک جرم به تلاقی و تقارن واقعی یعنی جمع یک مرتکب با انگیزه و یک هدف مناسب و سهل الوصول در یک زمان و مکان معین بدون حضور مانع مؤثر و تحت شرایط خاص سیاسی-اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد. همه آنها قابل مطالعه و تبیین از زاویه دید یکی از منظرهای خاص به جرم و پیشگیری از آن نبوده و به کمک همگی آنها نیاز مبرم دارد. لزوم آن تقارن و این نیاز زمانی بیشتر محسوس خواهد بود که یک واقیعت را در نظر آوریم و آن این که همیشه تعداد زیادی هدف سهل الوصول وجود دارند اما بسیاری از مردم دست به سوی آنها دراز نمی کنند و همچنین افرادی هستند که دارای قصد مجرمانه بوده اما به دلیل عدم وجود یک هدف مناسب یا غیرقابل دسترس قصدشان ناکام می ماند و چه بسا که هر دوی این شرایط موجود باشند اما به خاطر وجود مانع مؤثری یا وجود یا عدم موقعیتهای مناسب سیاسی یا اجتماعی و اقتصادی هیچ جرمی صورت نمی پذیرد و یا بهتر بگوییم امکان صورت پذیری نمی یابد. به عبارت دیگر، هر چند پیشگیری وضعی نتایج رضایت بخشی را در خیلی از موارد به همراه آورده اما پیشگیری واقعی از جرم در چارچوب یک سیاست جنایی راهبردی زمانی مصداق خواهد یافت که راهبرد مربوطه از یک سو به کاهش هر چه بیشتر فرصتهای مجرمانه پرداخته و از دیگر سو و به طور همزمان شرایط فردی و

اجتماعی زندگی را در همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امثال آنها به گونه‌ای بهبود بخشد که زمینه ارتکاب جرم و خصوصاً کشیده شدن افراد به سوی آن و انتخاب روشهای مجرمانه و غیرقانونی به جای شیوه‌های مشروع و پسندیده برای رسیدن به اهداف معمولی زندگی فردی و اجتماعی از بین برود.

بنابراین برای حصول پیشگیری مؤثر از بزه‌دیدگی، کاهش چنین عوامل زمینه‌ساز و حتی ترغیب‌کننده و در نتیجه کاهش سطح جرایم و بزه‌دیده‌گیهای ناشی از آنها و حتی سایر آسیب‌دیده‌گیهای اجتماعی ناشی از نقض زنجیره‌ای قوانین و یا ناشی از عدم وجود یا عدم اجرای صحیح مقررات و نبود امکانات؛ از جمله کشته شدن دانشجویان نخبه دانشگاه صنعتی شریف در اثر سانحه رانندگی در سال ۱۳۷۶ و قاریان و حافظان قرآن مجید در جنوب ایران در سال ۱۳۷۸ و همچنین غرق شدن ۷ نفر دانش‌آموز بی‌گناه در حادثه روز شنبه مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ پارک شهر تهران به خاطر عدم حضور نجات‌غریق و ... لزوم و اولویت حیاتی دارد. برای رسیدن به یک نتیجه فوری دست‌اندرکاران تنظیم و اجرای سیاست جنایی، در صورت وجود آن یا اعتقاد به ایجاد آن،^{۸۱} نخست بایستی تا حد امکان آماجهای سهل‌الوصول احتمالی را، از هر نوع که باشد، از تیررس مرتکبین احتمالی دور نموده و یا به طریق مقتضی محافظت نمایند و همچنین زمینه‌های بروز حوادثی از نوع مذکور را از بین ببرند. برای جلوگیری از خنثی شدن چنین شیوه‌هایی به خاطر بقای زمینه‌های

۸۱ برای اطلاع از وضع سیاست جنایی ایران مراجعه کنید به: نوربها، رضا (دکتر)، ۱۳۷۸، سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، صفحات ۱۲۸-۱۰۳.

ارتکاب جرم به بیان جرم‌شناختی، فرصتها و موقعیتهای مناسب برای بروز و ظهور بزه‌دیده‌گی کیفری و اجتماعی را تحت مهار و کنترل خود درآورند و این امر شدنی است. در مرحله بعدی و برای جلوگیری از خنثی یا کم‌رنگ شدن آثار چنین سیاستی به خاطر بقای زمینه‌های ارتکاب جرم، سیاست‌گذاران و مجریان بایستی همزمان زخمهای اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و کمبودهای فرهنگی را نیز مرهمی نهاده و در این راه با هدف پیشگیری زودرس از جرم و پیشگیری از شکل‌گیری شخصیت‌هایی که ممکن است کجروی و جرم در آنها نهادینه شده و به اصطلاح به صورت مرضی مزمن و لاعلاج نمود پیدا کند، اولویت را به مسائل زیر بدهند:

- تلاش و برنامه‌ریزی همه‌جانبه و دقیق با انجام کار کارشناسی در همه سطوح، از نظافت شهر و خانه‌سازی گرفته تا مدیریت جامعه و قانونگذاری جهت رفع افسارگسیختگی، بی‌نظمی، بی‌برنامگی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی در سطح فردی و اجتماعی و همچنین آموزش و نهادینه کردن آنها در زندگی فردی و اجتماعی اشخاص از طریق نهادهای خانه و مدرسه و همچنین نهادینه کردن آنها در سطح مدیریت جامعه و مراکز قدرت و نظارت مستمر و روزآمد کردن آنها با به کارگیری کلیه قوا و استعدادهای موجود اجتماعی و فردی به منظور اثبات اعتقاد و پای‌بندی عملی خود به آیه شریفه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة» در مبارزه با این دشمنان واقعی جامعه اسلامی،^{۸۲}

۸۲. خوانندگان محترم توجه دارند که هرچند این آیه شریفه (انفال، سوره ۸ آیه ۶۰) و آیات دیگری که مورد استشهاد قرار می‌گیرند ممکن است در باب مخصوصی (مثل همین آیه شریفه که در باب جهاد با دشمنان مسلمین است) نازل شده باشند اما استفاده از آنها در مسائل مشابه از باب تنقیح مناط بوده و حتی برخی مفسرین به معانی دیگر آنها نیز اشاره نموده‌اند. مرحوم شیخ‌الطائفه در «التبیین فی تفسیر»

- ایجاد امکانات وسیع و قابل دسترسی و جذاب فرهنگی و تحصیلی برای همگان، بدون هیچ قید و شرطی، و تسهیل رشد بیش از پیش افکار و به بار نشستن آنها در همه ابعاد از طریق گسترش فکر و مراکز آموزش عالی و انجام آموزشهای شغلی، قبل و ضمن اشتغال، و آموزشهای رفتاری و تربیت اجتماعی لازم برای زندگی جمعی و خصوصاً در شکل شهری آن از کانال مطبوعات، و سایر رسانه‌های جمعی، خصوصاً تلویزیون، و از طریق تجدیدنظر اساسی در نحوه آموزش خصوصاً احتراز از پرداختن صرف به افزایش محفوظات دانش‌آموزان و دانشجویان، و از طریق ایجاد و تقویت نظام پرورشی مناسب (تربیت اجتماعی) در سطح خانه‌ها، مدارس و سایر مقاطع تحصیلی متناسب با اقتضائات سنی و شخصیتی افراد، خصوصاً از دوران اولیه زندگی به منظور تضمین پیشگیری زودرس از کجروی و جرم و همچنین عینیت بخشیدن به آیه شریفه «ولتکن امة یدعون الی الخیر»،

- کاهش محرومیت و فقر، خصوصاً فقر نسبی یا همان تبعیضات طبقاتی، با ایجاد کار آبرومندانه و دارای درآمد مکفی که ضامن کرامت والای انسانی و فخر و مباهات او به عنوان اشرف مخلوقات و خلیفه خدا در زمین باشد،

→

القرآن» در تفسیر «و آخرین دونه‌م» چنین می‌گوید: «... و قیل فی‌المعنیین بذلک خمسة اقوال... الخامس - قال الجبایی: کل من لاتعرفون عداوة داخل فیہ» (شیخ الطائفه ابی جعفر محمدبن الحسن الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، المجلد الخامس، بیروت، دارالتراث العربی، ص ۱۴۸). درخصوص موضوع می‌توان به آیات دیگری نیز استناد جست. از جمله آیه شریفه ۷۱ سوره مبارکه نساء (سوره ۴) «خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً»، آیه شریفه ۴۱ سوره مبارکه توبه (سوره ۹) «انفروا خفاً و ثقلاً و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله».

- فراهم کردن مسکن مناسب برای افراد نیازمند و در معرض خطر در حدی که از سکونت در آنها بر خود بیاند نه این که چون فرزندان حلبی آبادها باعث سرشکستگی آنان در مقابل خاص و عام بوده و برچسب کجروی و مجرمیت را برای آنها به ارمغان آورده و آن را در وجودشان نهادینه کرده و به صورت یک درد اجتماعی مزمن باقی بماند چرا که «لقد کرنا بنی آدم».

- ایجاد امکانات سرگرمی و تفریح سالم برای همه به منظور پرورش روح و تقویت جسم و اعصاب خسته ناشی از کار روزانه و ماشین‌زدگی و آلودگی در سطح عمومی به اندازه‌ای مقبول و قابل رقابت با استانداردهای جهانی و نظارت بر آنها و بازنگری منظم و بهبود آنها به منظور پیشگیری از سلسله حوادثی نظیر حادثه پارک شهر تهران تا عملاً ترجمان آیه شریفه «فاعتبروا یا اولی الابصار» قرار گیریم.

- آموزش کافی و مستمر و نصب دهنه قانونی بر نوک تیز شمشیر قانون و عدالت یعنی پلیس و دستگاه قضایی و اجرایی به اصطلاح نماینده و مجری قانون و همچنین تقویت نهادهای نظارتی به ویژه با هویت مردمی به منظور کسب اطمینان از اجرای صحیح قانون و حفظ حقوق مردم از تعرضات ناخواسته و ناشی از کج فهمی یا کج سلیقگی و بی‌اطلاهی کارگزاران و نهایتاً تحقق عینی «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت».

- و از همه مهمتر به حکم فرمایش معصوم (ع) مبنی بر «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» ارزیابی عملکردهای قوای سه گانه و ادارات تابعه آنها در ارتباط با وظایف محوله، خصوصاً در زمینه پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی و جرم، قبل از آن که دیگران ما را مورد ارزیابی، محاسبه و

مؤاخذة قرار دهند. نتیجه چنین ارزیابی بایستی تشویق سازندگان و نه ساخته‌شدگان و ستایش از قانون‌مداران و نه از قانونگذاران، و همچنین برخورد و تنبیه متخلفین ولو به کمترین شدت یعنی برکناری آنها از پستهایی که شایستگی آن را ندارند و لیاقت خود را پس از گذشت ماهها و بلکه سالها برای آنها نشان نداده‌اند.



خلاصه مقاله

مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم

مقاله‌ای که در پیش رو دارید سعی دارد تا به معرفی و تحلیل انتقادی مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم از دیدگاه برخی واضعین و طرفداران آن بپردازد. در این راستا، ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در مورد مرتکب-مدار بودن جهت‌گیری سیاست جنایی درخصوص جرم و پیشگیری از آن تقدیم می‌گردد که نتیجه آن فراموش شدن سایر عوامل مؤثر در وقوع جرم، از جمله زمان، مکان و بزه‌دیده یا آماج جرم از زمان ظهور تفکرات علمی و جدید تحت عنوان جرم‌شناسی بوده است. سپس به بحث پیرامون راهبردهای اساسی پیشگیری از جرم، مفهوم و انواع آن و تبیین مبانی نظری پیشگیری وضعی می‌پردازیم که برخلاف دیدگاه‌های قبلی مبتنی بر بزه‌دیده است. در نتیجه‌گیری اشاره خواهیم نمود که پیشگیری مؤثر از جرم، ولو به صورت جزئی و خاص، جز با درک صحیح از دو مفهوم «فرایند وقوع جرم» متضمن شناخت جرم، شرایط مرتکب و ارتکاب آن، و مفهوم «تأثیر مجرمیت بر زندگی افراد» چه در بعد فردی و چه در بعد جمعی آن امکان‌پذیر نخواهد بود. پذیرش و پی بردن به اهمیت این دو مفهوم مستلزم شناخت و کاربرد صحیح ابزار مناسب رویارویی با هر کدام توسط مردم و نهادهای دولتی می‌باشد. تأکید می‌شود که این مهم تنها با به‌کارگیری یک رهیافت یا تحلیل از پیشگیری و سیاست جنایی و از یک منظر واحد حاصل نمی‌گردد بلکه جمع رهیافتها و تلفیق منطقی منظرها و همکاری چندجانبه اشخاص و نهادهای دولتی و مردمی متعددی را می‌طلبد، به‌گونه‌ای که باعث دوگانگی غیرقابل توجیه و حصول نتایج و به‌کارگیری اقدامات متعارض نگردد. چند پیشنهاد برای عملی کردن چنین سیاست جنایی پایان‌بخش این مقاله خواهد بود.

Abstract

Theoretical Basis of Situational Crime Prevention

This article attempts to analyse theoretical foundation of situational crime prevention through a critical review of current literature. It begins with a short reference to an offender-centered criminal policy which has taken its shape from traditional positivism in criminological thoughts. This, it is claimed, has led to the ignorance of victims or targets of crime, as well as other significant elements such as time and place when and where a crime occurs. Then, the article focuses on the concept of situational crime prevention, which represents a victim-oriented criminal policy. This is discussed in the light of a full account of definition, types and the concept of the main crime prevention strategies. Finally, the paper concludes that effective prevention, even in a partial or specific level, cannot be achieved except a thorough and comprehensive understanding is made of two essential and inter-related concepts including: the "effects of criminality on people's life" both in its individual and societal features and of the "process of how crime occurs". This involves a thorough examination and recognition of criminogenic factors and situations and of personality of offenders and that of victims. Effective prevention also needs proper implementation of its policies, and it requires suitable means or instruments being identified and made available to both members of the public and to state agents. It is emphasised that prevention is not achieved through a single approach to crime prevention, but it requires a multi-faceted and multi-agency approach which seriously takes into account cooperation of community members with different state agents.



پروفیسر شہباز گل شاہین
پرتال جامع علوم انسانی